



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۳۵

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سرمدیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۳۰ ژانویه ۲۰۰۸ - ۱۰ بهمن ۱۳۸۶



## ۱۶ فوریه

روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای  
آزادی همه دانشجویان زندانی

صفحه ۲



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

### در حاشیه مباحث "انتخابات"

دنیای شیرین طیف وسیعی از کسانی که به ناحق در سیاست ایران اسمشان را "اصلاح طلب" گذاشته اند بهم ریخته است. (این شیوخ و دانشمندان و فعالین اصلاحات سرجم نتوانستند یک اپسیلون آزادی به مردم هدیه کنند و هنوز این اسامی بی محتوا را یدک میکشند)

دو ماه پیش را بیاد آورید! جنب و جوشی در ایران راه افتاده بود. بعد از مدتها عرق ریختن و صلاح مشورت، "کمیته انتخابات آزاد" اعلام موجودیت کرد. تلاش کردن این خیر را بعنوان "مهمترین تحول سیاسی" به مردم بخوراندند. نامه های پرشور حمایت همکیشان اپوزیسیونی سرازیر شد. دور جدید اصلاحات؟ خاتمی جان بر میگردد! امیدی جدید، یا شاید بهتر است بگوئیم خودفریبی و توهمی جدید، رخ نشان داد. تمام کسانی که مدتها اسمی از آنها نبود و در هیچ مسئله اجتماعی مردم کاری نداشتند، دوباره ظاهر شدند. مقاله بعد مقاله و سخنرانی و سمینار و پیام بود که سرازیر میشد. باورشون شده بود که قرار است خامنه ای در متن فشارهای سیاسی داخلی و بین المللی سر کیسه را شل کند و سهمی و لقمه ای از بساط ننگین عمارت اسلام را به جمهوریخواهان محترم و ملیون و ملی مذهبی ها بدهد. از سازمان اکثریت تا حزب توده و باشگاه بازنشستگان جمهوریخواه عاشقانه انتظار میکشیدند. در داخل کشور ملی مذهبی ها و شیرین عبادی و مداری آنطرف تر اما کمی "چپ" جلسه میگرفتند و تدارک میدیدند. بعد از مانیفست گنجی این تخم دو زرده واقعا نوبر بود!

صفحه ۱۴



به مناسبت ۸ مارس

### روز جهانی زن

کمونیسم کارگری و آزادی زن  
گفتگو با مریم کوشا

صفحه ۶

### چرا یورو فارسی؟

مهرداد کوشا

صفحه ۱۱



### مروری کوتاه بر

حوادث کار در چند ماه اخیر

علی طاهری

صفحه ۸



### مصی (مصطفی) شیروانی:

### تا آخر ایستاده ایم!

صفحه ۵

وقتی که مقتول همدست قاتل می شود

گاز گرفتگی سه برابر افزایش یافته است

شهریار افروزه

صفحه ۱۲

### سهام عدالت و حق کارگران

خسرو الهی

صفحه ۱۰

در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس،

### روز جهانی زن

ستمکشی زن ننگ جامعه بشری!

صفحه ۷



در صفحات دیگر: رژیم فرزند قبادی را کشت، اعتراض در کوی دانشگاه تهران، اطلاعیه ها، آخرین خیر... و ستون آخر.

# ۱۶ فوریه

روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی



این سرکوب را باید شکست داد و ما در این تلاش به یاری شما محتاجیم.

ما به این مناسبت روز ۱۶ فوریه را روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای آزادی همه دانشجویان زندانی اعلام میکنیم. همه شما را در هر کجا که هستید فرامیخوانیم که در این روز از هر طریقی که مناسب میدانید، خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان و توقف فوری سرکوب آزادیخواهان و برابری طلبان شوید.

**آینده از آن ماست!**

**زنده باد آزادی!**

**زنده باد برابری!**

**دانشجویان آزادیخواه و  
برابری طلب دانشگاه های  
سراسر کشور**

۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ - ۷ دی ۱۳۸۶

توس و وحشت را به مبارزه ای که امروز دیگر در سراسر جهان برای آزادی دانشجویان جاری است، تحمیل کند. خانواده های زندانیان را زیر شدیدترین فشارها قرار داده اند.

**مردم آزادیخواه!**

ما، دانشجویان زندانی، خانواده های زندانیان و کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی امروز بیش از هر زمان دیگری به حمایت های شما محتاج است. فراخوان ۲۲ دسامبر ما برای آزادی دانشجویان زندانی با حمایت های بی نظیر شما روبرو شد. ما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب صمیمانه از تلاش های تاکنونی شما سپاسگذاری میکنیم. آکسیونهای سراسری ۲۸ دسامبر یک پیروزی بزرگ و فراموش نشدنی بود که صدای آزادی خواهان و برابری طلبان ایران را به مردم جهان رساند. این تلاش و مبارزه اما هنوز کافی نیست. یاران ما، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هنوز در شکنجه گاه ها بسر میبرند، جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی هنوز زیر فشار دستگاه های امنیتی قرار دارند.

در حالی که بر بدنش جای زخم های عمیق دیده میشود است را بخصوص بارها به نمایش گذاشته اند. نیروهای امنیتی یاران ما را زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داده اند تا اتهامات واهی را که به آن ها نسبت میدهند را قبول کنند و در شوهای تلویزیونی کتیف سازمان داده شده از طرف خودشان شرکت کنند. کسانی که جرمی جز دفاع از آزادی و برابری و انسانیت ندارند را میخواهند وادار به قبول اتهامات پوچ رابطه با احزاب اپوزسیون بکنند.

ما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب سخنگو و پرچمدار انسانیت و آزادی و برابری در ایران هستیم. حکومت اسلامی تلاش دارد با سرکوب ما، کل جنبش آزادی و برابری را در ایران سرکوب کند.

حکومت تحت فشارهایی که تاکنون بر او آمده است، وادار به آزادی تعداد کمی از یاران ما با قید وثیقه های بسیار سنگین شده است. حکومت اسلامی پیش از آزادی این عزیزان آنها را زیر شدیدترین فشارها گذاشته است. حکومت تلاش دارد تا بخشی از موفقیت اعتراض ما و شما را با ترساندن و فشار روحی پس بگیرد تا فضای

**همه دانشجویان زندانی  
باید فوراً آزاد شوند!**

**آزادیخواهان جهان!**

زندانی، شکنجه و فشار و دستگیری و تعقیب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب همچنان ادامه دارد.

درحالی که بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در زندان ها بسر میبرند، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران ۱۰ تن دیگر از یاران ما را در تهران در حالی که جمع شده بودند تا درباره اقدامات بعدی برای آزادی رفقایشان بحث کنند، دستگیر و روانه زندان اوین کرد. در مشهد، سندانج، مریوان و قزوین و اصفهان به خانه های دانشجویان حمله کرده اند و تعداد دیگری را ربوده اند و روانه زندان کرده اند.

حکومت اسلامی یاران ما را در حالی که بشدت شکنجه شده اند، به دیگر زندانیان نشان میدهد تا آنها را بترساند. پیمان پیران در حالی که پا و کتف راستش را شکسته اند، بهروز کریمی زاده

**سرکوب ما غیرممکن است! اخطار ما را جدی بگیرید!**

Monday, 28 January 2008



تظاهرات های دانشجویان آزادیخواه در شب های گذشته در کوی دانشگاه، یکبار دیگر صف محکم اعتراض ما را باید به حکومتیان نشان داده باشد. آنها میتوانند رهبران دانشجویان را به زندان بیندازند، شکنجه کنند و دست و پایشان را بشکنند، آنها میتوانند مثل امروز یکبار دیگر ده ها دانشجویی معترض را با حمله دستگیر و زخمی کنند. آنچه که آنها نمیبانند، سرکوب جنبش ما است! دانشجویان خواستشان خواست مردم است. ما فقر نمیخواهیم، ما جدایی جنسی نمیخواهیم، ما رفاه بیشتر را خواستاریم، ما خواهان منشور حقوقی دانشجویان هستیم، ما خواهان آزادی همه دانشجویان زندانی هستیم و یکبار دیگر اعلام میکنیم که دانشگاه پادگان نیست! هجوم نیروهای یگان ویژه و نیروی امنیتی امروز به ما در کوی دانشگاه یکبار دیگر این قرار پایه ای ما را اعلام میکند! دانشگاه را پادگان کنید، ما هم خیابانها را به تسخیر خود در خواهیم آورد!

اعتراض ما در کوی دانشگاه ادامه خواهد یافت. اخطار ما را جدی بگیرید! دانشگاه های دیگر در راهند!

**دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه های سراسر کشور**

## اعتراضات دانشجویی

## کوی دانشگاه وارد شب سوم خود شد!

سه شنبه ۹ بهمن



معترضین دانشجویی افزوده می شود. اکنون دانشجویان حداقل 1200 نفر هستند. دانشجویان عصبانی و غافلگیر شده در یک اقدام واکنشی نگرهبانی کوی را به آتش میکشند. - البته دانشجویان این عمل را از خود سلب کرده و آن را به گارد منتسب می کنند.

بعد از این دانشجویان به پشت نرده های کوی رفته و آنجا پناه می گیرند. گارد نیز در جایی خود مستقر می شود. البته گاردیان که گویی از لذت ورود به کوی مدهوش هستند هر از چندی تمایل خود را برای ورود مجدد به کوی به نمایش می گذارند ولی هر بار بیش از 1 تا 2 متر وارد آن نمی شوند و هر بار با عقب نشینی دانشجویان به جایی خود بازمی گردند. هر کدام از دانشجویان در پی پیدا کردن هویت دستگیر شدگان هم اتاقی های خود را می جوید ولی هنوز هیچ اسمی به ما اعلام نشده است.

سنگ اندازی ها ادامه دارد، این بار دانشجویان سپری هر چند کوچک یافته اند: نرده های خوابگاه پسران دانشگاه تهران (کوی پسران) جایی که سال هاست نقاط عطف جنبش دانشجویی را - تیر 1378 خرداد 1382 خرداد 1384 و اینک بهمن 1386- برای خود در یادها دارد و عموماً دانشگاه تهران با کوی خود شناخته می شود.

باقی شب تنها شاهد درگیری های پراکنده است. گاردیها گاهی می کشند. دانشجویان گاهی سنگ می اندازند. افسری گاهی فحشی می دهد و دانشجویان گاهی جوابی می دهند. عده ای هنوز بدنبال هم اتاقی های خود می گردند. عده ای از درد ناله می کنند. وسایل بهداشتی برای درمان مجروحین در دسترس نیست. سرما بیاداد میکند.

29 January 2008

برگرفته از سایت آزادی و برابری، تلخیص شده توسط یک دنیای بهتر. \*

از چند گاهی حمله ای را به سمت کوی تدارک می بیند که با عقب نشینی دانشجویان به جایی خود باز می گردد ولی این همه ی ماجرا نیست ...

## در آرزوی ورود به کوی

بعد از 8 سال

## 18 زخمی و حداقل 3 بازداشتی

در یکی از این تعقیب و گریز ها به داخل کوی دانشجویان به دنبال گاردی که در حال بازگشت به سر جایی خود است حرکت می کنند. غافل از اینکه گویی گاردیان در انتظار این لحظه هستند. ناگهان گاردیان با تغییر جهت سریع خود بدنبال دانشجویان وارد محوطه ی کوی دانشگاه می شوند در حالی که به ضرب و شتم دانشجویان می پردازند و دانشجویان به سرعت عقب نشینی کنند. ولی ماموران بدنبال آنان وارد کوی می شوند. گویی سال ها است که در این آرزو بسر می برند. از 18 تیر 1378، حاصل این ورود 18 زخمی است. 5 سر شکسته، 3 دست شکسته و 2 پای ورم کرده بر اثر اصابت باتوم، باقی زخم هایی سطحی تر برداشته اند.

گاردیان حداقل 15 متر وارد کوی می شوند و تا محوطه ی ساختمان 20 هم می آیند. در این هجوم حداقل 3 نفر از دانشجویان را که از دیگران عقب افتاده اند ( بعضی می گویند 5 نفر ) در این هجوم به عقب کشیده و از کوی خارج می کنند و به آنها دستبند زده و ... دانشجویان زخمی برای مداوا به نمازخانه کوی منتقل می شوند. در آن سوی میدان نیز گویی عده ای زخمی شده اند ولی برای آنان آمبولانس آماده است. هر لحظه بر تعداد

دانشکده فنی است و آن هم اینک بسته است تجمع می کنند.

یک افسر نیروی انتظامی می کوشد تا دانشجویان را به آرامش دعوت کند و از آنها می خواهد که به داخل اتاق های خود بازگردند. - گاهی با خودم فکر می کنم که کاش این متصدیان نظم در جامعه محض رضای خدا حداقل یک کتاب روانشناسی توده ای گوستاولوبون را بخوانند. افسر ظاهراً با این کار خود دارد مهر و عطوفت خود را به رخ دانشجویان میکشد و مثلاً می خواهد با آنان اتمام حجت کند. جواب دانشجویان مسلماً بازگشت نخواهد بود آنان شعار می دهند: مزدور برو گمشو و دانشجوی می میرد ذلت نمی پذیرد. شعاری که در این شب به مطرح ترین شعار معترضین تبدیل می شود.

درگیری بین گارد ضد شورش که تمام محوطه ی خیابان امیرآباد از اتوبان جلال تا انتهای خیابان 16 ( انتهای دانشکده تربیت بدنی و انتهای کوی پسران پزشکی ) را پر کرده است و در کوچه ی پانزدهم هم مستقر شده است از این لحظه شروع می شود. گارد با رژه رفتن در جلوی دانشجویان معترض به قدرت نمایی برای آنان می پردازد تا شاید در دل آنان ترس ایجاد کند غافل از اینکه با این کار تنها دانشجویان معترض را جری تر می کند. دانشجویان شروع به سنگ پراکنی به سمت گارد می کنند که البته هیچ آسیبی هم به گارد تا دندان مسلح و آموزش دیده نمی زند چرا که این گارد از نعمتی برخوردار است که دانشجویان فاقد آن هستند یعنی سپر. ولی در مقابل گارد ضد شورش هم هراز چندگاهی سنگ ها را به طرف دانشجویان بی سپر بر می گرداند. درب بزرگتر توسط دانشجویان باز می شود. از این لحظه دانشجویان در دودلی ورود به خیابان امیرآباد و یا ماندن در کوی بسر می برند ولی گارد هر

ماموران گارد ویژه ضد شورش بعد از 8 سال از گذشت 18 تیر 78 امشب بار دیگر وارد محوطه کوی دانشگاه تهران شدند. 18 نفر از دانشجویان در حمله گارد ضد شورش به داخل کوی دانشگاه از ناحیه سر و دست و پا مجروح شده اند. شاهدان عینی دانشجویان خبر از دستگیری 3 یا 5 نفر از نفرات جلوی جمعیت توسط گارد می دهند. دانشجویان در حال آمارگیری از همدیگر برای پیدا کردن اسم دستگیر شدگان هستند. کیوسک نگرهبانی پائین کوی در هجوم نیروهای ضد شورش به داخل کوی آتش گرفت. بیشترین شعار امشب این است: دانشجوی میمیرد، ذلت نمی پذیرد! یار دبستانی در تمام امیرآباد طنین انداز است.

تجمع شب سوم در ساعت 7:30 دقیقه بعد از ظهر از جلوی محوطه انبار و ساختمان 19 با حضور نزدیک به 400 نفر از دانشجویان آغاز گشت. دانشجویان با جمع شدن در جلوی ساختمان 19 شروع به خواندن یار دبستانی کردند و سپس با ورود به ساختمان 19 به خواندن یار دبستانی و شعار دانشجویی باغیرت حمایت حمایت پرداختند. پس از خروج از ساختمان 19 جمعیت با گردش در میان ساختمان های 21 و دیگر ساختمان ها و با خواندن سرود یار دبستانی و دانشجویی با غیرت به گرد آوری دانشجویان پرداختند. پس از گردش در محوطه کوی نزدیک به 600 نفر از دانشجویان با ورود به خیابان پشت ساختمان 20 کوی به سمت درب فنی است حرکت کردند.

دانشجویان در ساعت 9:15 دقیقه به درب کوچک نگرهبانی میرسند که بسته است و با شکستن آن وارد محوطه بازارچه می شوند. و پشت درب بزرگتر که محل ورود به خیابان امیرآباد است و

## دانشگاه تهران در التهاب اعتراض

کامران پایدار



دانشجویان تا چندین ساعت همچنان ادامه می یابند. در عصر روز شنبه 6/11/86 دانشجویان در ادامه و پی گیری خواستههایشان دوباره در محوطه کوی دانشگاه دست به تجمع و اعتراض میزنند. در این اثنا صدها نفر از نیروهای ضد شورش و مجهز به انواع سلاحهای سرد و گرم و انواع اسپری و گازهای اشک آور بلافاصله در خیابان امیرآباد شمالی مستقر و خیابانهای منتهی به کوی دانشگاه را بسته و به محاصره خود در می آورند.

از خود پرداختند. تعداد دانشجویان بیش از 2000 نفر تخمین زده می شد. عده زیادی از مردم با شادی و شغف در خیابانهای اطراف کوی تجمع کرده و قصد پیوستن به دانشجویان را داشتند که پلیس و مزدوران ضد شورش با تهدید و ارباب سعی در متفرق کردن آنها داشتند و... اعتراض، تجمع و درگیری دانشجویان تا پاسی از شب همچنان ادامه داشت.

در همین لحظه خطاب به آقای که کنارم ایستاده بود گفتم: راستی مگه می شه صدای انسانیت و حق طلبی و رفاه و آزادیخواهی را با اسلحه و شکنجه و زندان خفه کرد؟ با پوزخندی گفت نتیجه اش همین است و...

6/11/86

در ساعت 8 شب در حالیکه دانشجویان می خواستند از محوطه کوی خارج شده و به مردمی که در خیابانهای اطراف کوی جمع شده بودند پیوندند، نیروهای ضد شورش به مردم خارج کوی و دانشجویان حمله ور شدند. دانشجویان با پرتاب سنگ و چوب بسوی نیروهای ضد شورش و سردادن شعارهای آزادی و برابری و خواست آزادی دانشجویان زندانی و علیه حکومت به دفاع

حراست و نیروهای نظامی و انواع درندگان و وحوش اسلامی مبدل شده اند، در لابلای این همه فشار و سرکوب و ارباب، شکنجه و قتل بازداشت، این همچنان نبض انسانیت، آزادیخواهی و برابری طلبی و اعتراض به مذهب و تحقیر و آپارتاید جنسی است که در دانشگاه میزند.

در ظهر روز جمعه 5/11/86 بیش از هزار نفر از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به کیفیت بد غذا دست به اعتراض و تجمع زدند. علیرغم هشدارها و تهدیدها وعده وعیدهای مسولین دانشگاه کار به خشونت و درگیری می کشد. بلافاصله نیروهای ویژه ضد شورش، انتظامی و انواع لباس شخصی های اطلاعاتی در محل حاضر و محوطه کوی دانشگاه را به محاصره در آورده و مانع از پیوستن مردم و دانشجویان می شوند. اعتراض و تجمع

بدنبال اعتراض و مبارزات سراسری و آزادیخواهانه و برابری طلبانه دانشجویان در 13 آذر امسال و روزهای بعد علیه حکومت ننگ و نفرت اسلامی، و در شرایطی که مبارزات سرخ و پر شور دانشجویی در چند هفته اخیر از طرف حکومت و مزدورانش هدف وحشیانه ترین سرکوبها و سانسور قرار گرفته، علیرغم اینکه هم اکنون بیش از چندین هفته از دستگیری دهها دانشجوی مبارز، آزادیخواه و برابری طلب میگذرد و دستگاه فشار و سرکوب و عوامل اطلاعاتی حکومت بیشترین فشارهای وحشیانه و غیر انسانی را برای شکستن و تحقیر دانشجویان بکار گرفته اند، در حالیکه در همین چند روز اخیر ابراهیم لطف الهی دانشجوی دانشگاه پیام نور سندانج در زیر شکنجه های عوامل اطلاعاتی حکومت بقتل رسید، در شرایطی که دانشگاهها به جولانگاه

## شکنجه گران رژیم اسلامی فرزاد قبادی را در کرمانشاه کشتند!

بنا به گزارش سایت "ایران پرس نیوز" شکنجه گران رژیم اسلامی، فرزاد قبادی یکی از فعالین سیاسی کرمانشاه را در بازداشتگاه اطلاعات کرمانشاه به قتل رساندند. "بر روی بدن نامیرده علیرغم شکستگی سر و دست، محل اصابت چندین گلوله نیز مشهود بوده است".

اوباش امنیتی رژیم در چندین حمله به منزل احمد جواهری در کرمانشاه احمد جواهری، فرزاد قبادی و سپس فاطمه جواهری، دانشجوی پزشکی دانشگاه کرمانشاه و چیا جواهری، کودک ۲ ساله را دستگیر و با خود بردند. پس از آن رابعه قبادی را در خارج از منزل دستگیر میکنند. آدمکشان اسلامی به دنبال این جنایت خود و بمنظور ایجاد رعب و وحشت، عطا قبادی و فاروق قبادی (برادر فرزاد قبادی) را نیز دستگیر میکنند. از سرنوشت کاوه جواهری، نوجوان ۱۲ ساله که از زمان حمله نیروهای اطلاعات فرار کرده است، اطلاعی در دست نیست.

در این گزارش همچنین آمده است: "در زمان شکنجه این افراد در اداره اطلاعات، نیروهای امنیتی جسد فرزاد قبادی را برای هرچه بیشتر هراسناک نمودن این افراد به روئیت آنان میسازند. همینطور از دیگر افرادی که مجبور به روئیت جسد شکنجه شده فرزاد قبادی شدند میتوان به فاطمه جواهری و رابعه قبادی اشاره نمود که بالاخص رابعه قبادی خواهر وی در حال حاضر به شدت دچار بیماری روانی گشته است و تمرکز و حافظه خود را از دست داده است. گزارش گردیده است که خواهر فرزاد مدعی بوده است که برادرش را در مقابل چشمانش تیرباران نموده اند."

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این جنایت وحشیانه رژیم اسلامی را محکوم میکند و با خانواده این عزیزان عمیقاً اظهار همدردی میکند. کشتن فرزاد قبادی یک جنایت دیگر در کارنامه رژیم صد هزار اعدام است. حکومت چاقوکشان اسلامی تا زمان شیرین مرگ حکومتشان باز هم جنایت خواهند آفرید. باز هم خواهند کشت. باز هم شکنجه خواهند کرد. اما نمیتوانند از سقوط محتومشان جلوگیری کنند. این حکم مردم است. روزی که حکومت اسلامی سرنگون شوند، روزیکه آزادی و برابری و انسانیت و رفاه به قدرت برسد، تمام سران رژیم اسلامی و عاملان این دستگاه آدمکشی را به جرم جنایت علیه مردم محاکمه خواهیم کرد. آن روز دور نیست!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ - ۷ بهمن ۱۳۸۶



## مصی (مصطفی) شیروانی: تا آخر ایستاده ایم!

طلبی است. دفاع از شرافت انسانی و مقام شامخ انسان. جنبش پیشرو چپ دانشجویی چنان نظام سرمایه داری را به وحشت انداخته است که به یورش های شبانه و ربودن های خیابانی سعی در سرکوب آن و ایجاد فضای رعب و وحشت برای منفعل کردن فعالین آن دارد. مطالبات رادیکال ما مطالبه تمام کارگران- زنان- معلمین و زحمت کشان ایران است. جنبش ما در پیوند عمیق اش با جنبش رادیکال زنان و کارگران افق رهایی و برابری تمام انسان ها را رقم می زند. هدف دانشجویان چپ ایران رهایی زنان از آپارتاید ارتجاعی جنسی - مبارزه ی بی امان با فقر و گرسنگی - اختلافات و حشنتاک طبقاتی-تن فروشی زنان- دیکتاتوری و خفقان و هرگونه فضای سیاه و غیر انسانی است.

ما به رغم این همه ی سنگین و یورش های پی در پی جمهوری اسلامی ذره ای از آرمان هایمان کوتاه نخواهیم آمد. ما فاشیست های ۲ خردادی و برادران مشارکتی و کارگزارانی نیستیم که با یک تشرعقب نشینی کنیم و به سهممان از قدرت و دلارهای نفتی قانع شویم. ما محسن آرمین و سعید حجاریان و جلایی پور و کروی نیستیم که بر سر کرسی های مجلس و دولت چانه زنی کنیم. ما از نسل آنانی هستیم که در راه آزادی و برابری کوچکترین هراسی از مرگ هم نداشتند.

ما در تمام جرم های رفقای در بندمان شریک هستیم. اگر آزادیخواهی و برابری طلبی جرم است ما همه مجرمیم. من در تمام جرم های بیثنا صمیمی زاد شریک هستم. من همدست محمد پور عبدالله و علی کانتوری هستم. در تمام جرم هایی که آنهایتا -امین- سروش-مرتضی-بهزاد و بیژن مرتکب شده اند من نیز همراهشان بوده ام! ضمن دعوت دوباره از تمام آزادیخواهان جهان به دفاع همه جانبه و گسترده از دانشجویان دربند با یاریمان میبندیم که تا آخرین نفس در راه آزایشان تلاش کنیم.

**زنده باد برابری**

تحت تعقیب قرار داده اند و زندگی مان را به هم ریخته اند. رفیق علی کانتوری را همزمان با یورش های تهران در خیابان های قزوین می ربایند و ما بعد از ۱ هفته خبردار می شویم! رفقای که هنوز! بازداشت نشده ایم به شکلی مخفیانه زندگی می کنیم و به خاطر عدم امنیت جانی و روحی هر چندروز باید محل زندگیمان را تغییر دهیم. به گفته ی پدر رفیق روزبه ما در فضایی به شدت کفکایی زندگی می کنیم!

### آزادیخواهان جهان! به ما و رفقای دربندمان کمک کنید!

جمهوری اسلامی برای سرکوب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب شمشیرش را از رو بسته است و با خیالی راحت و خونسردانه دارد تک تک ما را از خیابان ها می رباید. شبانه به محل زندگی مان یورش می آورد و با محاصره ی نظامی! بازداشت و روانه ی اوین می کند. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ایران تحت شدیدترین و ظالمانه ترین فشار و سرکوب قرار دارند و تمام مدعیان حقوق بشری و دولت های به ظاهر آزادیخواه اروپایی به سکوت ننگین و غیر انسانی خود ادامه می دهند و به فکر قراردادهای نفتی خود با ایران هستند! از تمام آزادیخواهان جهان می خواهیم که به دانشجویان دربند کمک کنند. نگذارید جمهوری اسلامی با خیالی آسوده به سرکوب های خود ادامه دهد. به میدان بیایید و از فرزندان قهرمان و آزادیخواه خود کمک کنید. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ایران پاک ترین- شریف ترین- شجاع ترین و پیشروترین فرزندان این مملکتند. جرم رفقای ما فقط و فقط آزادیخواهی و برابری

توجهی نکرده است بلکه با شیخون گسترده ای تعداد ۱۲ تن از رفقای دیگرمان را به اسارت گرفته است! بسیاری از رفقای زندانی در این مدت تحت شرایط وحشتناک و در سلول انفرادی به سر برده اند. رفقا سعید حبیبی- نادر احسنی و پیمان پیران هنوز هیچ ارتباطی با خانواده هایشان برقرار نکرده اند. رفیق بیثنا صمیمی زاد روز قبل از بازداشت در بیمارستان بستری بوده است. محمد پورعبدالله از سردردهای مزمن و سینوزیت رنج میبرد. رفیق امین قضایی از مشکلات قلبی و ریوی در عذاب اسیت. رفقا بهروز کریمی زاده- پیمان پیران و بسیاری دیگر نیز مشکلات متعددی دارند که سلول انفرادی و فشارهای زندان آنان را در معرض آسیب های جدی و خطرناک قرار داده است.

### آزادیخواهان و برابری طلبان!

سوال من از شما این است که در این مدت برای آزادی دانشجویان دربند چه کرده اید؟ از چه راهی و چگونه جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده اید؟ تا چه اندازه افکار عمومی و مجامع بین المللی رادر جریان سرکوب شدید و بی سابقه ی فعالین دانشجویی طیف چپ در ایران قرار داده اید؟ پخش خبر و تکان دادن سر به نشانه ی اظهار تاسف برای ما و رفقای دربندمان هیچ ارزشی ندارد. محید اشرف برای رسانه ها فقط یک اسم است؟ صدرا پیر حیاتی و آنهایتا حسینی و محمد پور عبدالله نیز رسانه ها فقط یک رقم است! در این میان اما هیچ کس نمی داند که در این مدت چه بر سر ما و رفقایمان آمده است؟ کسی نمی داند که پس از ۴۵ روز از بازداشت های اولیه چرا و چگونه به محل زندگی رفقایمان حمله شده است و ۱۲ دانشجوی چپ انساندوست و شریف دیگر راهی اوین شده اند؟ در تمام این روزها تک تک ما را

به تمام نهادها- سازمان ها- تشکل ها و انسان های شرافتمند

رفقا! فکر نمی کنم تکذیب خیر بازداشت من در حالیکه هنوز بیش از ۴۰ تن از رفقای قهرمانان در زندان های جمهوری اسلامی به سر می برند کسی را خوشحال کند. در واقع تکذیب بهانه ای است تا بتوانم با مبارزان راه آزادی و برابری از رفقای دربند سخن بگویم! قبلا باید از تاخیر زیادی که در تکذیب خیر بازداشت ایجاد شد از تمام رفقا رسانه ها و مخصوصا مادرم و خانواده ام که در این مدت رنج زیادی را متحمل شده اند عذرخواهی کنم.

پس از یورش شبانه ی ماموران وزارت اطلاعات به رفقا و در حالیکه من و ۲ نفر از رفقا در خارج از خانه ی محاصره شده! بودیم یکی از رفقای داخل خانه در تماس تلفنی مرا در جریان محاصره و یورش قرار داد و... همان شب پس از اینکه رفقا و رسانه ها را در جریان خبریورش قرار دادیم محل زندگی مان را تغییر دادیم اما صبح روز بعد در خیابان مورد حمله قرار گرفتیم که پس از خلاصی از چنگ ماموران به خاطر شرایط بد روحی و عدم امنیت جانی مجبور شدیم به حاشیه ی تهران و به جایی پناهنده شویم! که هیچ دسترسی به اینترنت و اخبار و... نداشتیم. به هرحال من روز شنبه در جریان خبر بازداشت خودم قرار گرفتم و در تماس با سایت آزادی برابری خبر را تکذیب کردم که به خاطر مشکلات فنی رفقا موفق به کار کردن آن نشدند.

### آزادیخواهان و انسانهای شریف!

قریب ۲ ماه از بازداشت گسترده ی دانشجویان چپ دانشگاه های ایران می گذرد. در این مدت جمهوری اسلامی نه تنها به افکار عمومی و اعتراضات جهانی

## به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کمونیسم کارگری و آزادی زن

گفتگو با مریم کوشا



فوکوس و هم خط با یک افق بزرگ برای یک تغییر اساسی نیستند. این خود یکی از مولفه های مقایسه موقعیت زنان در صد سال گذشته و امروز است. جنبش زنان در کشورهای پیشرفته خود را به سازمانهای ان جی او که در کنار دولتها و ارگانهای بین المللی آرام آرام مشغول کرده اند و بعنوان گروه فشار عمل میکنند. در جای خود مهم و پرفایده است. ولی تعرضی نیستند. حضور وسیع و موثر در ابعاد اجتماعی ندارند. یک مثال خیلی ساده همین ۸ مارس است. زمانی ۸ مارس شهرهای اصلی این کشورها تبدیل میشد به حضور وسیع مردم با خواستههای برابری طلب. ما دیگر شاهد این تجمعات وسیع نیستیم. ۸ مارس میاید و میرود و خیلی ها نمیفهمند که چه روزی بود. حلقه اصلی در این کشورها استفاده از امکانات (بخصوص رسانه های عمومی) برای طرح خواستههای مشخص جنبش زنان است.

حلقه اولیه و اصلی در ایران و کشورهای تحت حکومت اسلام سیاسی از صحنه خارج کردن اسلام سیاسی از حکومت و دخالت در زندگی مردم است. جنبش برای آزادی زن در ایران بروشنی نشان داده است که از جمهوری اسلامی تنفر دارد و علیه آپارتاید جنسی و برای یک جامعه سکولار مبارزه میکند. حلقه اصلی اتحاد روی این خواسته ها و متشکل شدن است.

**یک دنیای بهتر: چه پیامی برای ۸ مارس امسال به جامعه دارید؟**  
خطابتان به فعالین آزادی زن چیست؟

**مریم کوشا:** ۸ مارس را به هر نحوی که میتوانیم باید زنده نگه داریم و مطالباتمان را تا هر جا میتوانیم در معرض دید بگذاریم. نه به آپارتاید جنسی؛ آزادی، برابری، سکولاریسم خواست ماست.\*

تشکل و آزادی بیان را سرلوحه مباره خود قرار دهد عملا جاده را برای جنبش زنان صاف میکند. و متقابلا، هر گونه پیشروی جنبش زنان برای کسب این حقوق عملا موقعیت سایر جنبشهای آزادیخواه را بهتر میکند. موقعیت مبارزه سیاسی در ایران برای همه جنبشهای مترقی و برابری طلب ایجاب میکند که برای خواسته های به حق و رادیکال پایه ای مبارزه کنند. همبستگی با سایر جنبشهای اجتماعی در ایران یکی از حلقه های اساسی برای



پیشروی جنبش زنان است.

**یک دنیای بهتر: بنظر شما اصلی ترین حلقه ای که امروز برای پیشبرد امر آزادی زن در جامعه در دست گرفت کدامست؟** پیشروی جنبش آزادی زن به چه عواملی گره خورده است؟

**مریم کوشا:** یک مسئله که برای خود من مشغله فکری درست کرده عدم حضور یک جنبش قوی و رادیکال و موثر در کشورهای پیشرفته است. بنظر من جنبشهای اجتماعی و جنبش زنان انطور که در قرن ۲۰ جلوی صحنه و فعال بودند الان کمتر حضور موثر دارند. اشتباه نشود. سازمانهای فراوانی در سطح جهان وجود دارند که فعالانه کار میکنند. جلسه میگذارند وب سایت دارند ولی

در بالا به عقب نشینی اشاره کردم. موقعیت زنان در کشورهایی مثل ایران و منطقه عقب نشینی بوده است. نه به این خاطر که زنان عقب نشینی کرده اند. به این خاطر که نیروهای ارتجاعی و بویژه اسلام سیاسی بر جامعه حاکم شده اند. همه میدانیم که چطور قوانین عقب افتاده ضد زن مثل حجاب اجباری، سنگسار، آپارتاید جنسی و غیره موقعیت زنان را عقب رانده است. زنان در ایران این موقعیت را قبول نکرده اند و هر روز علیه آن مبارزه میکنند.

**یک دنیای بهتر: در ایران مساله زنان یکی از محوری ترین مسائل جامعه است. زنان یک نیروی عمده در تحولات آزادیخواهانه و برابری طلبانه جامعه هستند. مصافهایی که پیشاروی این جنبش آزادی زن در جامعه قرار دارد را چگونه می بینید؟**

**مریم کوشا:** هر گونه پیشروی جنبش برای آزادی و برابری زنان در ایران ارکان جمهوری اسلامی را بلرزه درمیآورد. زنان یکی از نیروهای محوری سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. اولین حمله جمهوری اسلامی پس از سر کار آمدن سرکوب زنان بود. این سرکوب هنوز ادامه دارد و یکی از مولفه های اصلی در جلوگیری از پیشرفت جنبش زنان است. جنبش برای آزادی زن در ایران بسیار قوی است و خواستههای مشخص ضد اسلام سیاسی و برای سکولاریسم دارد ولی مورد خشونت دولتی است. حق تشکل و آزادی بیان از مردم در ایران سلب شده. این خود یکی از عوامل کند کردن پیشروی هر جنبش آزادیخواهانه است. از این نظر هر جنبشی که این دو خواسته یعنی حق

**یک دنیای بهتر:** صد سال از ۸ مارس روز جهانی زن میگذرد. صد سال تلاش برای برابری زن و مردم در جهان. موقعیت زن را پس از این تلاشها در جهان کنونی چگونه می بینید؟

**مریم کوشا:** جنبش زنان برای آزادی و برابری در صد سال گذشته هم پیشروی داشته و هم عقب نشینی. پیشروی ها به همت جنبش زنان و جنبش عمومی علیه جنگ طلبی و جنبش چپ در دهه ۶۰ و ۷۰ زنان را در موقعیت بهتری قرار داد. زنان بویژه در کشورهای غربی نسبت به ۱۰۰ یا ۵۰ سال گذشته از استقلال اقتصادی بیشتری در گذران زندگی شان برخوردارند. از نظر سیاسی و حقوق مدنی نیز ما شاهد دخالت فعالتر زنان هستیم. حق رای برای زنان اوایل قرن بیستم برسمیت شناخته شد. انهم در نتیجه انقلاب روسیه بود. رشد سرمایه داری و تکنولوژی از یکطرف و جنبشهای اجتماعی از طرف دیگر در این صد سال تاثیر مستقیم در موقعیت بهتر زنان داشته است.

ولی در هر دوره که زنان خواسته های خود را بر جامعه حک کردند تلاش برای ترمز زدن به این پیشروی از طرف سیستم سرمایه داری و دولتها کم نبوده است. کماکان زنان از حقوق برابر برخوردار نیستند. کماکان دستمزد زنان با مردان برای کار مشابه برابر نیست. کماکان زنان بخاطر زن بودن و موقعیتشان در خانواده از موقعیتهای برابر برخوردار نیستند. خشونت علیه زنان حتی در پیشرفته ترین کشورها ابعاد وحشتناک دارد. فرهنگ غالب متاسفانه هنوز فرهنگ ضد زن است.

در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن

## ستمکشی زن ننگ جامعه بشری!

در کنار این جریان‌های رنگارنگ عقب مانده بورژوازی، جنبش کمونیسم کارگری خواهان آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زن و مرد است. کمونیسم کارگری میکوشد این جنبش را به افق ماکزیمالیست خواستن تمام آزادی و برابری و عدم تسلیم و مقابله با تقلیل گرایی جریان‌های دیگر تجهیز کند. کمونیسم کارگری برای رهایی جامعه از هر نوع ستم و تبعیض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبارزه میکند. کمونیسم کارگری برای مذهب زدانی از جامعه و برقراری یک نظام سکولار مبارزه میکند، نظامی که در آن مذهب از دولت، آموزش و پرورش و سیستم قانون گذاری جدا و امر خصوصی افراد است. کمونیسم کارگری برای امحای مبانی مادی ستمکشی زن، نظام طبقاتی، استثمارگر و مملو از تبعیض سرمایه داری مبارزه میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری با پیام "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است"، زنده باد آزادی زن و ستم بر زن موقوف، نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی و زنده باد سوسیالیسم، با استقبال ۸ مارس روز جهانی زن می‌رود و تمام زنان آزادیخواه و برابری طلب را فرا میخواند که برای ساختن یک جامعه آزاد و برابر و عاری از ستم و تبعیض، جامعه ای که زن و مرد در آن آزاد و برابر در کنار هم زندگی میکنند، به ما بپیوندند!

**زنده باد آزادی زن!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۲۹ ژانویه ۲۰۰۸-۹ بهمن ۱۳۸۶

جنبش آزادی زن در ایران صرفاً علیه یک نظام سیاسی در یک جامعه معین نمی جنگد. جنبش آزادی زن علیه اسلام سیاسی که اکنون یک جنبش بین المللی است و سیطره خود را نه تنها در کشورهای تحت سلطه اسلام، بلکه از آن فراتر نیز گسترده است، مبارزه میکند. از این رو است که جنبش آزادی زن رسالتی بس مهم را بر عهده دارد. پیروزی جنبش آزادی زن، فقط زنان ایران را از ستم و تحقیر و خشونت رها نمیکند، درهای آزادی را به روی تمام زنان تحت سلطه اسلام می‌گشاید.

جامعه ایران، جامعه ای متحول، ملتهب و تشنه آزادی و برابری است. مردم حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و برای به زیر کشیدن آن مبارزه میکنند. جنبش آزادی زن در ایران یکی از قوی ترین، گسترده ترین و تعیین کننده ترین جنبش های اجتماعی علیه رژیم اسلامی، علیه اسلام سیاسی، علیه دولت مذهبی، علیه اسلام و برای ایجاد تغییرات بنیادی و رادیکال در جامعه است. از سوی جنبش ها و گرایشات سیاسی بورژوازی متفاوت تلاش بسیاری برای محدود کردن خواست ها، امیال و افق این جنبش انجام میگیرد، میکوشند این جنبش را به کم راضی کنند. میکوشند به آن بقبولانند که "آزادی زن با اسلام در تناقض نیست"، میکوشند مطالبات این جنبش را به "دیه برابر" به لغو چند همسری و صیغه و امثالهم تقلیل دهند. آن را از "فساد" جامعه غربی میترسانند. میکوشند شرق زدگی را به افق آن تحمیل کنند. جنبش حقوق زن در ایران دارای گرایشات مختلف است.

و روانی یک وجه دائمی زندگی زنان را تشکیل میدهد. برای بسیاری این شرایط ازلی و ابدی و غیرقابل تغییر بنظر میرسد. "خدا آفریده" است، لذا پایانی بر آن نیست. برای بسیاری باید سوخت و ساخت. اما همواره در کنار تسلیم و رضایت به سرنوشت، اعتراض و عصیان نیز وجود دارد. جنبش علیه فرودستی زن و برای تغییر شرایط موجود یکی از داده های تاریخ بشری است.

مبارزه برای رفع تبعیض از زنان همچون خود ستمکشی زن سنت دار و زنده است. در برهه هایی از تاریخ بخشی از دنیا پرچمدار آزادی زن و بیشتاز مبارزه علیه زن ستیزی و مردسالاری بوده است. در قرن نوزده اروپای غربی، در اوایل قرن بیست و همزمان با انقلاب اکتبر، روسیه و سپس شوروی، در دهه های 60 و 70 میلادی اروپای غربی و آمریکا این نقش پیشتاز را بعهده داشتند. اکنون جنبش آزادی زن در ایران در چنین مکانی قرار گرفته است.

جنبش آزادی زن در ایران با معضلات و موانع بسیاری روبرو است. مبارزه با یکی از خونخوارترین رژیم های تاریخ



بشری، یک نظام زن ستیز که فرودستی و خشونت علیه زن یک خصلت پایدار و هویت ایدئولوژیک آن را می سازد، مبارزه علیه ستمکشی زن را به امری دشوار و بعضاً طاقت فرسا بدل کرده است. اما این جنبش سر تسلیم ندارد. روز به روز گسترده تر، قوی تر و رادیکال تر میشود.

ما در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن، قرار داریم. یک قرن پیش جنبش سوسیالیستی بین المللی روز ۸ مارس، روز اعتصاب زنان کارگر نساجی نیویورک را بعنوان روز جهانی زن، روز جهانی علیه تبعیض جنسی و برای برابری زن و مرد اعلام کرد. این روز با این هدف تعیین شد که دنیا را به وجود این پدیده شرمناک، این ستم ضد انسانی، و موقعیت نابرابر و برده وار نیمی از جامعه بشریت متوجه کند و بشریت آزادیخواه، برابری طلب و جنبش سوسیالیستی را به مبارزه با این ستم و تبعیض متعهد کند.

طی این صد سال مبارزه جنبش حقوق زن و جنبش سوسیالیستی، زنان توانسته اند در اروپا و آمریکای شمالی جنبه های برده وار ستمکشی زن را زائل کنند و به حقوق برابر در برخی وجوه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست یابند. اما در این بخش از دنیا نیز هنوز متوسط دستمزد زنان حدود 30 درصد از دستمزد مردان کمتر است، نقش زنان در عالم سیاست هنوز محدود است. هزاران زن تحت خشونت باصطلاح خانگی قرار میگیرند، تجاوز جنسی، تحقیر و فرودستی هنوز یک پدیده قابل تشخیص در این جوامع است.

در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس در دنیایی که به در حال توسعه معروف شده است، میلیون ها زن در بردگی مطلق سرمایه، دولت و خانواده هر روز از نو، خشونت، تحقیر، فقر و فلاکت را در ابعاد جدید تجربه میکنند. ارزش های قرون وسطایی و مردسالار که توسط نهاد مذهب تقویت و پاسداری میشود حلقوم زنان را میفشرد. خشونت فیزیکی

دو قالب گیر می کند و شدت حادثه طوری بوده که ایشان قبل از رسیدن به بیمارستان در دم جان می بازد.

به دنبال این حادثه کارگران پرس تولید را متوقف می کنند ولی مدیریت از ترس گسترش اعتراض بلافاصله سالن پرس را تعطیل می کند و کارگران را روانه خانه هایشان می کند این دومین حادثه در عرض بیست روز بود.

### کارگران ساختمانی نیز به هنگام کار به کرات دچار حادثه می شوند:

در پی سقوط دیوار مجاور در محل گود برداری پاساژ در دست احداث در شهر قدس، ۸ نفر از کارگران این پروژه جان خود را از دست دادند. این حادثه در ساعت ۱۵:۳۰ در زمانی رخ داد که ۸ نفر از کارگران ساختمانی شاغل در پروژه دست ساخت پاساژ بزرگ میلاد شهر قدس بر اثر ریزش دیوار کناری محل گود برداری زیر آوار ماندند و زنده به گور شدند! یک کارگر ۱۹ ساله بر اثر ریزش آوار کشته شد. این حادثه به علت عدم شمع بندی مناسب رخ داد. در حادثه دیگر ۵ کارگر در حال گودبرداری برای ساخت یک مجتمع بر اثر ریزش آوار جان باختند. دست راست



یک کارگر ۲۴ ساله در موقع تمیز کردن دستگاه نوار نقاله در کارخانه ای در شهرستان شهریار قطع گردید. در تاریخ ۱۰ مرداد ماه ساعت ۶ بعد از ظهر کارگر جوانی از اهالی آهنگرکلا در شمال، در طبقه ۴ ساختمان نیمه کاره پشت دستگاه بالابر مشغول به کار است که از طبقه چهارم به پایین سقوط می کند و به دلیل شدت ضربه وارده در جا



## مروری کوتاه بر حوادث کار در چند ماه اخیر

علی طاهری

( این دو کارگر سقوط کرده و در دم کشته شدند) هم چنین در روز های سوم و دهم مهرماه و در ۲۵ مهرماه ۱۳۸۴ نیز در همین پروژه چهار کارگر سقوط کرده و دچار نقص عضو دائمی شدند. در ۲۵ مهرماه ۱۳۸۴ در سالن پرس پرس خودرو انگشتان دست یکی از کارگران پرس کار قطع میشود.

### شرکت ایران خودرو:

۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۶ یکی از کارگران شرکت ایران خودرو در اثر سقوط پالت از روی لیفتراک جان خود را از دست داد. علی اکبر شورگشتی کارگر انبار ریخته گری در اثر یک حادثه در جلوی چشم همکاران خود به طرز فجیعی کشته شد. این کارگر قربانی سیاست های غلط و ناقص مدیریت شرکت که کار رانندگی را به شرکت های پیمان کاری سپرده است شد. این شرکت ها بدون هیچ گونه نظارتی و آموزشی و بدون رعایت استانداردهای رانندگی در محیط کاری مشغول به کار هستند. مرگ شورگشتی نشان داد هنوز محیط های کاری ناامن بوده و بازرسی وزارت کار هیچ گونه نظارتی بر آن ندارند. سال گذشته کارگر دیگری به نام پیمان رضی لو بر اثر شدت کار جان باخت. بیست و ششم شهریور ماه نیز مقارن ساعت ۴ بعدازظهر یکی دیگر از کارگران جوان ایران خودرو در سالن پرس شماره ۳ بر اثر برخورد با قالب در دم کشته میشود. علی امامی کارگر ۲۶ ساله سالن پرس شماره ۳ که در شیفت دوم کار می کرد در اثر برخورد قالب با قالب دیگر جان خود را از دست می دهد. این حادثه در اثر نادرست برداشتن قالب با جرثقیل بوجود می آید و علی امامی در اثر تاب قالب بین

است چه برسد به این که فوج فوج انسان زحمتکش برای چاق کردن سرمایه دار های رذل هر روزه جان بدهند.

**شرکت سایپا:** علی سرحدی جوان ۲۷ ساله ی اهل بیجار کردستان کارگر سالن پرس شرکت خودرو سازی سایپا در مورخ پنج شنبه ۸ بعد از ظهر در حال کار با دستگاه پرس ۵۰۰ تنی (محل سازمانی کارش) ناگهان بخشی از بدنش از سمت سر و تته در مقابل چشم حیرت زده سایر کارگران به زیر پرس رفت. او سه سال بود که در سالن پرس شرکت سایپا به عنوان پرس کار مشغول به کار بود. او در حال تدارک مراسم عروسیش بود. زمانی که این اتفاق افتاد تمامی کارگران سالن پرس سایر دستگاه ها پرس را خاموش کردند و در مقابل دستگاه پرس که این اتفاق افتاده بود جمع شدند. در این لحظه کارکنان بخش حفاظت ایمنی، به جای اینکه حالت روحی سایر کارگران را در نظر بگیرند، برای خوش خدمتی به مدیران شرکت شروع به اظهار نظر در مورد مقصر بودن کارگر جان باخته کردند که ناگهان تمامی کارگران سالن پرس به شکل دسته جمعی به مسئولان حفظت ایمنی شرکت سایپا اعتراض کردند. در این لحظه مدیریت شرکت سایپا تصمیم به تعطیل کردن شیفت های دوم و سوم گرفت. آنها از برخورد کارگران ناراحت و عصبی بیم داشتند.

در مجموعه ی شرکت های سایپا طی دو سال گذشته بیش از ۱۰ مورد حادثه منجر به فوت و نقص عضو اتفاق افتاده است که از مهم ترین آن ها می توان به مرگ ابولقاسم احمدی در ۲۵ تیر ماه ۱۳۸۴، علی آدینه در دوم مرداد ۱۳۸۴ در پروژه ای ال نود پرس خودرو وابسته به سایپا اشاره کرد.

حادثه و نقص عضو و مرگ در حین کار، یک واقعیت است که هر روز از کارگران قربانی میگیرد. این موضوع بویژه در صنایع خودرو سازی مرتباً اتفاق می افتد. صنعتی که از چهار سال پیش با رشدی ۱۰۰۰ درصدی مواجه شده است. خستگی، عدم تمرکز، عدم اعتماد و اطمینان به ادامه کاری (نبود امنیت شغلی) پیمانی و قراردادی بودن بیش از ۹۰ درصد کارگران در خودروسازی ها، شب کاری هفتگی و به هم خوردن ساعت داخلی بدن کارگران در انطباق با محیط، حواس پرتی به خاطر فشار های اقتصادی سرمایه بر کارگران، نداشتن سرپناه و مستاجر بودن - با کرایه منزلی که حتی بیشتر از دریافتی [نان است- و نداشتن هیچگونه تشکل کارگری که در آن کارگران بتوانند پیگیر مشکلات عیدیه خود باشند از جمله مهم ترین عواملی هستند که وقوع "حوادث کارگری" را تسهیل میکنند. اما فقدان سیستم ایمنی در محیط کار، یا سیستم ایمنی نامطلوب و ارزان، منشا اساسی این حوادث است. ایران تنها کشور گلوله زدن به سینه کارگر معترض نیست، ایران از جمله کشورهای است که هر روز کارگر را در محیط کار میکشد و نامش را در گوشه ای پرت در "صفحه حوادث" روزنامه ها درج میکند. در مورد کارگران افغانی حتی خود را ملزم به درج نام کارگر هم نمیکند!

در این نوشته سعی می کنم گوشه هایی از سوانح کار را گزارش دهم. البته مسلم است که این تنها گوشه ای از ستم سرمایه داری اسلامی به جان کارگر است اما با همین آمار میشود ابعاد دقیق فاجعه را حدس زد. برای ما کمونیست ها یک شب گرسنه ماندن کودکی هم غیر قابل تحمل



## مروری کوتاه بر حوادث کار در چند ماه اخیر...

فوت می کند. مهدی غفوری بعد از پایان تحصیل تنها چند ماه بود که مشغول به کار شده بود.

معادن نیز یکی از بیشترین حوادث کار را در سراسر جهان از جمله ایران دارند. آخرین حادثه: سوم مهرماه، بر اثر ریزش معدن ماسه در شهرستان پلدختر در استان لرستان یک کارگر جان باخته و دو کارگر دیگر به شدت زخمی شدند. حادثه در یکی از معادن منطقه جلوگیری رخ داده و بر اثر آن کارگر به نام فتحعلی جاناش را از دست داده و دو کارگر دیگر به شدت زخمی شده و در بیمارستان بستری هستند.

در حادثه ی دیگر اتوبوس برقی جان راننده 45 ساله را گرفت. پزشک قانونی برق گرفتگی را علت مرگ راننده یک اتوبوس برقی و مجروح شدن چهار مسافر آن اعلام کرد. در ساعت 6 صبح روز 7 تیر ماه در حالی که یک اتوبوس برقی در خیابان هفده شهریور در حال حرکت بود ناگهان کابل برق پاره شد و روی اتوبوس افتاد. در این هنگام راننده اتوبوس دیگری که از طرف

مقابل در حال حرکت بود پس از رسیدن به محل حادثه از خودرو پیاده شد و برای پیشگیری از وقوع حادثه ای تلخ سعی کرد کابل بریده شده را از روی اتوبوس به سویی بیندازد اما ناگهان این راننده 45 ساله که موسی نام داشت دچار برق گرفتگی شد و این بار کابل به داخل اتوبوس او افتاد و چهار نفر از مسافران نیز دچار برق گرفتگی شدند.

"حوادث کار" همچنان در ایران سیر صعودی دارد. حوادث کار مربوط به شش ماهه اول سال 85، شهرستان های تهران با 1103 حادثه برای کارگران اولین منطقه حادثه خیز در ایران معرفی شده است. شهر تهران بزرگ نیز با 1064 مورد حوادث کار رتبه دوم را به خود اختصاص داده و پس از آن استان مرکزی با 960 حادثه کار در رتبه سوم قرار گرفته است.

در مقایسه حوادث ناشی از کار 6 ماهه نخست سال 85 با شش ماهه نخست سال 84 استان کرمانشاه بیشترین نوسان در این حوادث را به خود اختصاص داده است. در بین اعضای آسیب دیده ناشی از حوادث کار در این مدت انگشتان

دست با 2810 مورد بالاترین آمار و سپس اعضای پا و دست به ترتیب با 2802 و 2508 مورد بیشترین اعضای آسیب دیده بدن گزارش شده است. در فاصله فروردین تا شهریور سال 85 سقوط و لغزیدن با 2092 مورد بیشترین فراوانی نوع حادثه ناشی از کار را به خود اختصاص داده و انفجار و آتش سوزی نیز با 49 مورد کمترین میزان حوادث کار را رقم زده است.

کارگران جوان گروه سنی 25 تا 29 سال با 2823 بیشترین تعداد را در میان قربانیان حوادث کار تشکیل داده اند و اغلب حوادث کار در هنگام صبح با 5399 مورد به وقوع پیوسته است. دفتر آمار محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که از مجموع 10 هزار و 677 مورد حادثه کارگری در این مدت زمانی "9 هزار و 564 مورد به بهبودی کامل انجامیده و 665 مورد منجر به غرامت مقطوع، 245 مورد منجر به غرامت جزئی (کارگری را میشناختم که مچ دستش هنگام کار قطع شد و بعد از کلی شکایت مشمول از کار افتادگی جزیی شد و ماهی 60 هزار تومان به عنوان جریمه دریافت می کند. این هم معنی از کار افتادگی جزیی در قاموس این رژیم ضد کارگر و مرتجع) 142 مورد منجر به

از کار افتادگی "کلی" شده است. تعداد کارگرانی که بر اثر حوادث کار در شش ماهه اول سال 85 جان خود را از دست دادند نیز در گزارش سازمان تامین اجتماعی "61 مورد نیز منجر به مرگ" ذکر شده است. اما مدیر کل بازرسی وزارت کار روز 15 اسفند 85 اعلام کرد: در سال گذشته **یک هزار و صد کارگر** به علت حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند.

...طبقه کارگر ایران از آنجا که سازمان مستقل کارگری و اهرمهای نظارت کارگری ندارد، و از آنجا که تهیه آمار و ارقام در این رژیم در خدمت توجیه استعمار و بردگی است، اینها تنها مواردی هستند که "ناچارا" خود



را به آمار رساندند و میزان تلفات بسیار بیشتر است. اما اگر همین تعداد و آمار دولتی را هم قبول کنیم، میبینید که کارگران در محیط کار به اندازه یک جنگ خونین تلفات میدهند. آیا واقعا یک انقلاب کارگری علیه نظم سرمایه و دولت حامیش به همین اندازه میتواند تلفات داشته باشد؟\*



### سازمان آزادی زن از فراخوان جوانان آزادیخواه و برابری طلب حمایت میکند!

بیش از ۵۰ روز از زندانی شدن دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب می گذرد و علیرغم تلاشهای جهانی برای آزادی این دانشجویان تا کنون تعداد زیادی از آنان تحت سختترین شرایط ضد انسانی در زندان و در سلولهای انفرادی به سر میبرند. تاکنون به تعدادی از این دانشجویان حتی اجازه مکالمه تلفنی هم داده نشده است. طی این مدت خانوادهاى این دانشجویان بعد از تلاشهای شبانه روزی تنها به برخی از آنان اجازه به ملاقات عزیزانشان را داده اند. در نتیجه اعتراضات پیگیر دانشجویان در داخل و تلاشهای جهانی و بعد از تحویل وثیقه های میلیونی توسط خانوادهاى این عزیزان تعدادی از آنها آزاد شدند ولی در تهاجم بعدی به کوی دانشگاه در یکشنبه شب گذشته چندین نفر از دانشجویان دستگیر و تعدادی در اثر ضرب و شتم نیروهای گارد ویژه زخمی شده اند!

سازمان آزادی زن ضمن اظهار همدردی با خانوادهاى این دانشجویان از تمامی مردم آزادیخواه و برابری طلب و کلیه نیروهای آزادیخواه و انساندوست می خواهد که به فراخوان این جوانان پاسخ مثبت بدهید. این دانشجویان تحت فشارهای روانی شدید، شکنجه و بازجویی های وزارت مخوف اطلاعات جمهوری اسلامی قرار دارند. باید برای آزادی همه دانشجویان در بند، فعالان جنبش حقوق زن، فعالان کارگری و دیگر زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزیم. آزادی این عزیزان در گرو تلاشهای گسترده ماست. درب زندانها را میتوان گشود! ۱۶ فوریه را به روز اعتراض جهانی برای آزادی دانشجویان و تمامی دستگیر شدگان تبدیل کنیم.

# سهام عدالت و حق کارگران

خسرو الهی

در مقاطع "انتخابات" برای مجلس و ریاست جمهوری و شورای اسلامی شهر، سران رژیم به دست و پا می افتند و تلاش می کنند مردم منجر را پای صندوقهای رای بکشند. البته تنها وعده پوچ و توخالی نیست بلکه با تهدیدات نیز همراه است. بخشهایی را با زور و گروکشی پای صندوقها می کشند. البته همین تعداد هم اسامی خوانندگان مورد علاقه خود یا رهبران سیاسی مورد علاقه خود و یا تعدادی فحش به سران رژیم را روی اوراق رای گیری می نویسند. سربازان، ارتشیان، کارمندان، و به کسانی که در ادارات دولتی هستند مجبور می شوند گاهای رای بدهند.

دوران انتخابات بود و احمدی نژاد یک بار در محلات فقر نشین بود، یک بار سرزده به بیمارستان می رفت، گاهی جوب آب را پاک می کرد، گاهی در میدان بازی فوتبال گوشه ای عین بچه یتیم روی زمین خوابش برده بود، و گاه بر سر سفره نون ماست نشسته بود! همه این اقدامات فقط باعث خنده مردم می شود. مردمی که طبق منویات اسلام باید همیشه گریه کنند و خندیدن و شادی برایشان جرم است، در اینگونه اوقات کمی سرگرمی و خنده هم دارند. بخصوص جوانان شاید در طول روز دهها اس ام اس به هم می دادند و جوکها و گفته های رئیس جمهور ایران را برای هم می فرستادند.

احمدی نژاد را از صندوق رای بیرون آوردند و شروع کرد مسافرت شهر به شهر و ده به ده و سخنرانی کردن برای مردم قهرمان پرور و شهید پرور ایران! اکثرا سخنرانی ایشان در مناطق خارج شهر بود از ترس همین مردم شهید پرور و قهرمان پرور! تعدادی لات و چاقوکش

حزب الله جمع می شوند و احمدی نژاد سخنرانی می کرد. البته هر جایی هم دست مردم به احمدی نژاد رسید حالش را جا آوردند و با شعارها و پلاکارتهایی که خواستهای آنها بر آن نوشته شده بود، اعلام می کردند رسماً مزخرف نگو! یواش یواش به اصل مطلب نزدیک می شوم. در این سخنرانی ها وعده های زیادی می داد! میلیاردها بود که از زبان ایشان جاری می شود که به این استان و آن استان و این شهر و آن شهر واریز می شود برای اینکه مردم از امکانات بیشتری برخوردار شوند!

با گذشت 27 سال از انقلاب 57، آن زمان وعده 75 تومان پول نفت برای هر ایرانی را دادند، در 28مین سالگرد استقرار جمهوری اسلامی، به همت احمدی نژاد تصویب شد که به مردم این 75 تومان پول نفت را پرداخت کنند! که معادلش می شود ماهی 40 هزار تومان و اسمش را هم "سهام عدالت" گذاشتند؟! لایحه تصویب شد و این نیز مثل خیلی از قوانین ضد انسانی و ضد کارگری به جکی در میان مردم تبدیل شده است.

تصویب "سهام عدالت" برای فقرای حاشیه نشین شهر نیست، تصویب "سهام عدالت" برای کارگران بیکار نیست، "سهام عدالت" برای کارگرانی که چندین ماه است حقوقهایشان توسط کارفرما به گرو گرفته شده است نیست، "سهام عدالت" برای کسانی که مجبور می شوند کودکان و جگرگوشه های خود را بفروشند شاید آینده ای بهتر در انتظار کودکانشان باشد نیست! "سهام عدالت" برای زنان و کودکانی که در زباله ها به دنبال پلاستیک و اشیایی که بتوانند بفروشند تا نانی برای خوردن داشته باشند نیست، "سهام عدالت" برای کودکانمان که

پول شهریه مدرسه شان را نداریم نیست، "سهام عدالت" برای زنانی که مجبور به تن فرشی می شوند نیست، "سهام عدالت" برای ما کارگران و زحمتنشان نیست و نبوده! حتما می گویند پس این "سهام عدالت" برای کی هست، چرا تصویب شده، این پول را کی به جیب می زند؟ حق دارید! قرار بود "سهام عدالت" برای "مردم مستضعف و شهید پرور و قهرمان پرور" باشد.

خوب "سهام عدالت" به چه کسانی تعلق می گیرد؟ با این کلمه رمز "شهید پرور و مستضعفین و سلحشوران قهرمان پرو" معلوم میشود این سهام برای کیست. آنهایی که طناب دار را برگردن جوانان این مملکت می اندازد، "سهام عدالت" به ارازل و اوباش حزب الله داده می شود. "سهام عدالت" را به چاقوکشان و لمپنهای مرتجع و مزدورانی می دهند که تازیانه را بر تن جوانان این کشور فرود می آورند! "سهام عدالت" را به جانورانی می دهند که حاضر شدند به حریم و حرمت انسانها تعرض کنند! "سهام عدالت" را برادران سلحشور اطلاعات و سپاه دریافت می کنند تا هر صدای آزادیخواهی و برابری طلبی را خفه کنند. این "سهام عدالت" نازنین را به برادران بسیج، حراست، شورای اسلامی، کمیته امداد، امام، و غیره دوفاکتوره پرداخت می کنند! این هم از سرنوشت احمدی نژاد و وعده ها و لایحه های تصویب شده برای مردم محروم ایران! حالا همین هم باعث خنده مردم و بخصوص کارگران است.

خوانندگان گرامی این نامه، حالا ما کارگران در ایران دنبال "سهام عدالت" برویم یا نه؟ حتما شما هم خواهید خندید که کدام وعده این دولت طی 29 سال عملی شد تا "سهام عدالت" آن جامه عمل بپوشد؟\*

اطلاعه شماره ۱

در حمایت از فراخوان جهانی جوانان آزادیخواه و برابری طلب

**۱۶ فوریه را به روز اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از فراخوان "جوانان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاههای سراسر کشور" در تبدیل ۱۶ فوریه، ۲۷ بهمن، به روز اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی و آزادی همه دانشجویان زندانی دفاع میکند. این اقدامی حیاتی در ادامه ۲۸ دسامبر اولین روز اعتراض جهانی برای آزادی دانشجویان و تمامی دستگیر شدگان است.

ما به سهم خود از تمامی مردم آزادیخواه، از تمامی سازمانهای کمونیستی و آزادیخواه و انساندوست میخواهیم که تا با فعالیت گسترده خود این روز را به بزرگترین روز جهانی اعتراض علیه رژیم آدمکشان اسلامی و در دفاع از آزادی و برابری و رفاه و انسانیت تبدیل کنیم. یک جامعه آزاد و انسانی نباید زندانی سیاسی داشته باشد. آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان، آزادی کارگران دستگیر شده، آزادی تمامی زندانیان سیاسی یک حلقه گرهی در مبارزه برای سرنوشتی رژیم اسلامی و استقرار نظامی متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، است. ما متعاقباً در اطلاعیه های بعدی زمان و مکان تجمعات اعتراضی را به اطلاع عموم میرسانیم.

دانشجوی زندانی، کارگر زندانی، زندانی سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۶ ژانویه ۲۰۰۸ - ۶ بهمن ۱۳۸۶

## چرا یورو فارسی؟

مهرداد کوشا

فارسی را باید به لاتین نوشت. باید با خط یورو فارسی نوشت. چرا؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید تفاوت بین زبان و خط را توضیح داد.

زبان هنگامی که بکار می‌رود یا بصورت گفتار است یا بصورت نوشتار. اگر بصورت گفتار باشد، ماده اولیه آن صدا، یعنی امواج انرژی صوتی است و اگر بصورت نوشتار باشد، ماده اولیه آن علائم و نشانه‌های دیداری است. هردو ماده اولیه فوق متعلق به جهان مادی می‌باشند. آنچه واقعاً زبان نام دارد، رابطه‌ایست که بین امواج انرژی صوتی و وقایع دنیای خارج برقرار می‌شود، یا بعبارتی، مجموعه الگوها و رابطه آنها با جهان بیرون و در واقع، نوعی رفتار انسانی است. با این ترتیب، زبان نه بعنوان مجموعه اصوات، بلکه الگوها و طرح‌هایی است که این اصوات بیانگر آنها می‌باشند. این وجه مشترک همه زبانهاست و چیزی که زبان‌های مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند، نوع رابطه‌ایست که بین امواج انرژی صوتی و وقایع جهان بیرون برقرار می‌شود و الگوها و طرح‌های خاص خود را می‌آفریند.

مجموعه این الگوها و نظامی که بین آنها برقرار می‌گردد ساختمان زبان را به وجود می‌آورند. این ساختمان، ساختمانی انتزاعی و دارای سه دستگاه اصلی می‌باشد: دستور، واژگان و اصوات. الگوهای دستوری و واژگان زبان از طریق ماده اولیه صوتی نمایانده می‌شوند. امواج انرژی صوتی و نشانه‌های خطی کلاً خارج از زبان، ولی مربوط به زبان هستند. دستگاه خط یعنی انتزاع خصوصیات ممیز از نشانه‌های دیداری خطی و تنظیم آنها در یک

شبکه از این خصوصیات ممیز.

با مشخص شدن تفاوت بین خط و زبان، روشن است که بحث بر سر تغییر خط است، نه زبان؛ ولی چه عواملی تغییر خط فعلی زبان فارسی را ضروری می‌سازد؟ این عوامل را بطور کلی می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

### 1) پایان دادن به عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی

خط فعلی در حوزه فرهنگی فارسی زبانان و تا حدی عربی زبانان قابل خواندن است. این خط یکی از موانع موجود در راه تبادل علمی و فرهنگی با جهان پیشرفته و مدرن می‌باشد. تغییر خط دری است که گشوده می‌شود و ارتباطی دو طرفه ایجاد می‌نماید. از یکسو جهان پیشرفته و روند فرهنگی آن به حوزه فارسی زبانان راه می‌یابد و آنرا تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، حیات فرهنگی فارسی زبانان بیشتر و بیشتر جهانی می‌شود و بر فرهنگ خارج از خویش اثر می‌گذارد.

شاخه‌های ژرمانیک و لاتین زبان هند و اروپائی که امروز توسط بخش وسیعی از ساکنین کره خاک در کشورهای پیشرفته دنیا تکلم می‌شود، برای نوشتار از حروف لاتین استفاده می‌نمایند. کاربست این حروف در دستگاه خط زبان فارسی موجب اعتلای این زبان شده و تکامل و گسترش آنرا در دنیای امروز، بر پایه الفبای رایج و غالب در جهان مدرن تضمین می‌نماید. همچنین فراگیری زبان‌های مذکور را تسهیل نموده و از این طریق، استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهان پیشرفته را همگانی می‌سازد. در این میان، فراگیری زبان انگلیسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه، در اوایل

قرن بیست و یکم، نقش، اهمیت و نفوذ زبان انگلیسی به حدی است که دانش‌آموختگان این زبان را قادر می‌سازد به بالاترین حجم از آثار و دستاوردهای علمی، هنری و غیره که در هر گوشه جهان و به هر زبانی که بدو نگاشته شده باشند، دسترسی یابند. زبان‌های دیگر از چنین قدرت و نفوذی برخوردار نیستند.

### 2) ساده‌سازی خط و رفع اشکالات فنی آن

صرف نظر از قید و بندهایی که خط فعلی، یعنی عربی فارسی در راه گسترش فرهنگ و دانش پیشرو بشری ایجاد نموده، از لحاظ فنی نیز دارای اشکالات و نواقص متعددی است. این اشکالات و نواقص کدام‌اند؟

#### حروف زاید/حروف چسبیده

خط عربی فارسی دارای حروفی است که در زبان فارسی امروز دیگر دارای خصوصیت ممیز صوتی نبوده و به عبارت دیگر، نقش بامعنایی در زبان ایفا نمی‌کنند. ت و ط/ث، س و ص/ز، ذ، ض و ظ/ه و ح/نشانه‌های صوتی یکسان‌اند. برای کسی که می‌خواهد خط فعلی را فرا گیرد، به نظر می‌رسد تلاش بیهوده‌ایست که بدانند برای نوشتن کلمات از کدامیک از حروف مشابه باید استفاده نماید، در حالی که وجه تمایز صوتی بین آنها وجود ندارد. علاوه بر آن، حروف خط عربی فارسی دارای دوگونه مجزا و چسبیده است که خود به شکل‌های مختلفی نوشته می‌شوند. مثلاً حرف «غ» در کلمات غول، مغول، مغ و داغ به‌گونه‌های متفاوتی ظاهر می‌شود. همچنین کلمات «می‌رسد» و «فریدون‌کنار» را می‌توان به صورت «میرسد» و «فریدونکنار» نوشت. این موضوع عملاً تعداد حروف را زیاد و کاربست آنها را پیچیده کرده و موجب بروز اشکالات و

ابهاماتی در امر نگارش می‌شود.

#### حروف نسبتاً مشابه

در خط عربی فارسی از حروفی استفاده می‌شود که با تغییر یک یا چند نقطه در یک کلمه، معنی آن کلمه بطور کلی تغییر می‌نماید. از این دسته حروف می‌توان به /ر، /ز، /ج، /ح، /خ/د، /ذ/ص، /ض/ط، /ظ/اشاره نمود. با جابجا شدن یا حذف یک نقطه در کلمات زر، جالب، خلال، ذلیل، نقض و ظاهر، کلمات جدید رز، حالب، حلال، دلیل، نقض و ظاهر ساخته خواهد شد که معانی آنها اساساً متفاوت می‌باشند. بروز چنین اشتباهاتی، به ویژه برای نوآموختگان خط فارسی، کاملاً محتمل است.

#### مصوت‌ها

خط فعلی، بجز صدای «آ» و «او»، عملاً فاقد نشانه‌های مربوط به مصوت‌های زبان می‌باشد. اگرچه مصوت‌ها در ابتدا بصورت فتحه، کسره، ضمه و سکون در نقاط مختلف کلمات ظاهر می‌شده -البته با دقت لازم، بطوریکه هر علامت دقیقاً در بالا یا پائین همان حرف بخصوص قرار گیرد تا کلمه بطور صحیح تلفظ شود- ولی به دلیل مشکلات کاربرد، عملاً حذف گردیده است. فقدان مصوت‌ها در خط فعلی زبان فارسی مشکلاتی را در خواندن کلمات، حتی برای خود فارسی زبانان، ایجاد می‌نماید. کم نیستند کسانی که در هنگام خواندن، فراغ (fara:q) را فراق (fara:h) و سلاح (sela:h) را صلاح (sala:h) و یا بالعکس تلفظ می‌کنند. این موضوع در مورد کلمات هلال (hela:l) و حلال (hala:l) و اشکال (es:ka:l) و اشکال (as:ka:l) هم صادق است. برای آموزش خط به کودکان فارسی زبان هم آموزگاران مجبورند کلمات را با فتحه، کسره، ضمه، سکون و الف کوچک خالکوبی نمایند. این مشکلات برای یک خارجی که خواهد خط فارسی را یاد بگیرد دوصد چندان است، زیرا برای چنین فردی خواندن صحیح بسیاری از

## وقتی که مقتول همدست قاتل می شود گاز گرفتگی سه برابر افزایش یافته است

شهریار افروزه

فصل سرما که آغاز می شود ناخودآگاه گوشمان برای شنیدن اخبار تیز می شود. خبرهایی که مانند هوای سرد زمستان است و وقتی آنها را می شنویم تمام بدنمان یخ می کند به خصوص امسال و این روزها. فوت تعدادی از افراد در اثر گازگرفتگی و دیدن صحنه جسم بی جان آن ها در تلویزیون از همین خبرهاست که همه افراد بیننده را نگران و در عین حال محتاط کرده است. به خصوص که طبق آخرین خبر معاون حفاظت و پیشگیری سازمان آتش نشانی اعلام کرد: حوادث گازگرفتگی از مهرماه تا کنون سه برابر افزایش یافته است و این در حالی است که با وجود افزایش دو برابری تعداد جان باختگان با تلاش نیروهای آتش نشانی تعداد نجات یافتگان نیز سه برابر سال گذشته است. به گزارش مهر مهندس براتی همچنین درباره تاثیر موج سرما بر افزایش تعداد حوادث و جان باختگان یادآور شد: سال گذشته تعداد جان باختگان در کل کشور 900 نفر بود که امسال قبل از شروع سرما 20% بر این تعداد افزوده شده است به طوری که پس از این موج تنها در تهران 150 نفر در اثر گازگرفتگی جان باختند. بنابراین امسال قاتل نامرئی با سرمای بیش از حد هوا مجال بیشتری برای جولان دادن پیدا کرده است. فوت 4 نفر عضو یک خانواده و درگذشت چند جوان که به تنهایی زندگی میکردند، جان باختن تازه عروس و داماد بر اثر استنشاق گاز مونوکسید کربن و بسیاری از این گونه خبرها که این روزها می شنویم، همه را آنقدر نگران کرده است که شبها ناخودآگاه برای اطمینان از "زنده بودن" از خواب می پریم.

### قاتل نامرئی:

احمد و زهرا زن و شوهری

هستند که به گفته خودشان به صورت کاملاً معجزه آسا از مرگ نجات یافته اند. احمد تعریف میکند نیمه شب در خواب بود که به صورت ناگهانی از خواب بیدار شدم. حال بدی داشتم، تلاش کردم تا حرکت کنم و از جا برخیزم، اما تمام بدنم خواب رفته بود. سر درد عجیبی داشتم و قرت حرکت از من گرفته شده بود. نگران همسرم شدم او هم بی حرکت در خواب عمیقی بود. با تقلا فراوان خودم را به کنار پنجره کشاندم و سعی کردم تا از هوای اندکی که از درز پنجره وارد میشود استنشام کنم. کمی بعد حالم بهتر شد و بلا فاصله سعی کردم با باز کردن پنجره هوای تازه را به اتاق بکشانم و خود و همسرم را از مرگ حتم نجات دهم. اگر چه همچنان آثار گاز گرفتگی و سردرد و گیجی ناشی از آن ما را آزار میدهد.

### مونوکسید کربن چیست؟

مونوکسید کربن یا CO یک قاتل نامرئی است. گازی بدون بو و رنگ که از سوختن ناقص مواد سوختنی ایجاد می شود و هر سال به خصوص در فصلهای سرما جان بسیاری را می گیرد. میل ترکیبی مونوکسید کربن با هموگلوبین خون 300 برابر از اکسیژن بیشتر است. به همین علت وقتی مونوکسید کربن وارد سیستم تنفسی می شود، بلا فاصله با گلوبولهای قرمز پیوند تشکیل میدهد و اجازه ترکیب اکسیژن را با گلوبولهای قرمز نمی دهد. در نتیجه اکسیژن به سایر بافت های بدن به خصوص سلسله اعصاب نمی رسد و آن را فلج میکند و قدرت انجام هر گونه فعالیتی از انسان سلب میشود. بد نیست بدانید که در خون همه غلظتی از CO به میزان 5 درصد وجود دارد که اگر این غلظت به 20 درصد برسد مسمومیت و مرگ خواهد بود. هنگام استفاده از وسایل پخت و پز

مثلاً اجاق گاز یا استفاده از گرمای بخاری باید به این موضوع دقت کنیم که این وسایل مقدار کمی مونوکسید کربن تولید می کنند. هر چه اکسیژن کمتری به قسمت شعله برسد مقدار تولید مونوکسید کربن بیشتر میشود. سوختن کامل زمانی انجام می شود که اکسیژن به مقدار کافی موجود باشد چرا که عمدتاً در دستگاه های گرم کننده هوای مورد نیاز باید از خارج محیط تامین و گازهای مضر ناشی از سوختن مانند گاز کربنیک و مونوکسید کربن باید به خارج از محیط تخلیه شود. در وسایل گرمازای دود کش دار، در صورتی که دود کش نقصی نداشته باشد، عمل تهویه ورود اکسیژن لازم و تخلیه گازهای مضر به خوبی انجام می شود. ولی در وسایل گرمازا با شعله باز و بدون دود کش این شرایط فراهم نیست. این وسایل اکسیژن لازم برای سوختن را از همان محیط میگیرند و طبیعتاً گازهای مضر را به همان محیط برمیگردانند که با توجه به سرما و بسته بودن راه های تهویه هوا مثل پنجره ها و دریچه های کولر و درها، تهویه به درستی انجام نمی شود و بر اثر سوختن ناقص و وجود گاز های مضر به خصوص گاز CO در این محیط افراد دچار مسمومیت یا به اصطلاح گاز گرفتگی میشوند. و بر اثر این مسمومیت در اندک زمانی جان خود را از دست می دهند. بسیاری از مردم گاز کربن یا گاز ذغال را کشنده میدانند و از این که هر ماده سوختنی که به طور کامل نسوزد می تواند مونوکسید کربن تولید کند بی اطلاع اند.

### هر سال بیست در صد افزایش و امسال...

اما بی توجهی تاسف انگیز مردم به این نکته باعث شده که هر سال آمار قربانیان این قاتل خاموش افزایش پیدا کند. این موضوع نکته ای است که معاون پیشگیری از حریق و حوادث آتش نشانی به ما می

گوید: "امسال و از ابتدای شروع سرما گاز گرفتگی فقط در تهران بیش از 100 نفر قربانی داشته ضمن آن که براساس آمار ارائه شده توسط پزشکی قانونی فقط در مدت زمان یک هفته از 16 تا 23 دی ماه، گاز گرفتگی 150 قربانی در سطح کشور داشته است. این در حالی است که در سال 85 تعداد 900 نفر در پی استنشاق گاز مونوکسید کربن از دنیا رفتند و تعدادی نیز مسموم شدند اما خوشبختانه با اقدام به موقع نجات پیدا کردند".

در مقایسه آمار سال 85 با مدت مشابه در سال 86 تعداد قربانیان این حوادث 20 درصد افزایش یافته است و علاوه بر آن از سال 80 تاکنون نیز تعداد کسانی که بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست داده اند هر سال 20 درصد افزایش یافته است. وی خاطر نشان میکند البته شواهد حکایت از آن دارد که امسال با توجه به سرمای بسیار شدید و با وجود تمام هشدارها و آگاه سازیها باز هم آمار قربانیان ناشی از گاز گرفتگی افزایش بیشتری نسبت به سالهای پیش یافته است. وی اگر چه غفلت مردم را یکی از عوامل موثر در این زمینه میداند، تاکید میکند استاندارد نبودن برخی وسایل گرمایشی و نبود نظارت بر تولید آنها و ارائه محصولات مختلف توسط تولید کنندگان گمنام باعث شده است که هر سال تعداد بیشتری از مردم گرفتار حادثه شوند. مسئولان آتش نشانی تلاش کرده اند تا جلوی تبلیغات کالاهای غیراستاندارد و خطرناک را به خصوص از طریق رسانه دولتی بگیرند. میگوید "متأسفانه تا چندی پیش بخاریهایی از طریق تلویزیون تبلیغ میشد که بدون دود کش بود و جاذبه های زیادی داشت. مصرف کنندگان هم بدون آگاهی از خطرات آن در اتاق خواب و یا مکان های کوچک استفاده میکردند و دچار گاز گرفتگی میشدند!"

### قاتلی که شب ها فعال می شود...

## چرا یورو فارسی...

لغات جدید، بدون آنکه قبلاً تلفظ آنها را یاد گرفته باشد، تقریباً غیرممکن است و این در حالی است که تعداد لغات در هر زبانی بی‌نهایت است.

### ناهماهنگی در نگارش اعداد و کلمات

خط عربی فارسی از راست به چپ و اعداد از چپ به راست نوشته می‌شوند. این امر تناقضی در خط است که باید حل شود تا در هنگام نگارش عددی در یک متن، نیازی به اندازه‌گیری طول ارقام تشکیل دهنده آن عدد نباشد. با استفاده از حروف لاتین و نگارش خط از چپ به راست، این معضل نیز برطرف می‌گردد.

### سؤال: چگونه باید نوشت؟

باید با حروف لاتین و با خط یوروفارسی نوشت. به قول علی جوادی، زبان فارسی را باید از این دایه قرون وسطایی جدا کرد و همانطور که در برنامه یک دنیای بهتر آمده، باید طی یک برنامه سنجیده حروف لاتین را جایگزین حروف خط فعلی نمود.

یوروفارسی یک خط با قاعده

و ساده است. از چپ به راست و با حروف لاتین نوشته می‌شود. منطبق با شرایط و ضروریات زمان است و به گفته زنده یاد، منصور حکمت که نقش اصلی را در بنیانگذاری کنوانسیون یورو فارسی، بعنوان یک مرکز علمی و فرهنگی مستقل، همچنین طرح و راهبری این مبحث و نیز تدوین اولین نمونه خط یورو فارسی بعهده داشت، خط به خودی خود نه فرهنگ است، نه هویت، نه تمدن و نه حتی زبان. وسیله‌ایست قراردادی برای ثبت گفتار. تغییر خط یک ضرورت انکارناپذیر است که شرایط ایفای نقشی برابر در حیات علمی و فنی جهان معاصر و استفاده از مواهب مادی و معنوی این جهان را برای مردم فارسی‌زبان فراهم می‌نماید.

برای آشنائی با خط یوروفارسی و قواعد آن، همچنین مطالعه مطالبی که در این باره نگاشته شده به سایت اینترنتی [www.eurofarsi.com](http://www.eurofarsi.com) مراجعه نمایید. اطلاعات موجود در سایت فوق و نیز کتاب «توصیف ساختمان دستور زبان فارسی» تألیف دکتر محمدرضا باطنی منابع اصلی این نوشتار بوده‌اند.\*

25 شهریور 1381-16 سپتامبر 2002

### کمکهای مالی دریافت شده:

مزدک از استکهلم، در سه نوبت: ۴۵۰ کرون، ۳۰۰ کرون، و ۳۸۵۹ کرون، مجموعاً: ۴۶۰۹ کرون

ایران: ۴۶۶۳ کرون

با تشکر از دوستان گرامی، از دیگر خوانندگان می‌خواهیم در حد امکان به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنند. شماره حساب ما در نشریه اعلام شده است.\*

### گاز گرفتگی سه برابر افزایش یافته ...

معمولاً چون این قاتل بی رنگ و بو است و لمس نمی‌شود مردم هنوز کشف شده بودن آن را باور ندارند. برای همین به راحتی تسلیم و قربانی آن میشوند. امیر قادری کارشناس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی، با بیان این که بارش سنگین برف و باران و افت شدید دما در ایران طی هفته های گذشته باعث افزایش استفاده از وسایل گاز سوز غیراستاندارد

شده است می‌گوید: بر همین اساس گزارش های موجود حاکی از افزایش موارد گاز گرفتگی طی روزهای اخیر است. وی استفاده از وسایل گرمایشی مانند بخاری و آبگرمکن نفتی و گازی غیر استاندارد و چراغ های خوراک پزی و بسته بودن لوله های بخاری و شومینه و نداشتن کلاهک از جمله علل گاز گرفتگی در زمستان برمی‌شمارد و توضیح میدهد سوختن ناقص مواد سوختنی و گاز در این وسایل باعث ایجاد گاز منو اکسید کربن و یا اکسید دو کربن میشود. گازی که فوق العاده سمی و بیرنگ و بی بو و بی طعم است که همین ویژگی باعث شده است که به آن "قاتل پنهان" لقب دهند! تصریح میکند اگر چه این گاز سبک تر از هواست قابلیت انتشار آن در هوا بسیار زیاد است و به همین دلیل مثلاً در یک اتاق به سرعت متراکم می‌شود. از این رو به سرعت باعث مسمومیت میشود و سلسله اعصاب را فلج میکند به نحوی که قدرت هر گونه اقدامی از فرد مسموم سلب میشود و وی به نوعی به خواب و مرگ آرام تن می‌دهد. وی می‌افزاید این روزها سردی هوا مشکلاتی را در ارائه خدمات رسانی گاز ایجاد کرده است و باعث شده است با کم یا قطع شدن فشار گاز شهری آمار گاز گرفتگی افزایش پیدا کند. به گونه ای که با قطع شدن گاز شهری در هنگام خواب و وصل مجدد آن در سیستم های گرمایشی غیراستاندارد، گاز در فضا پخش و منجر به فوت افرادی که خوابیده اند میشود. بنابراین لازم است حتماً منفذی برای تهویه هوا در نظر گرفته شود. وی با بیان این که بیشتر موارد مرگ و میر معمولاً در شب است، زیرا افراد نمیتوانند علایم آن را درک کنند، خاطر نشان میکند متأسفانه نا آگاهی

افراد از چگونگی گاز منواکسید کربن و چگونگی ایجاد آن باعث شده که به خصوص در روزهای گذشته که هوا به شدت سرد شده است، حوادث زیادی رخ دهد. در صورتی که دانستن این نکته، یعنی شرایط بروز و ایجاد چنین حوادثی چگونه است، میتواند از بروز پدیده گاز گرفتگی و به دنبال آن از مسمومیت و در نهایت مرگ جلوگیری نماید. وی هشدار می‌دهد که مردم باید از وسایل استاندارد استفاده کنند و ضمن آن در نصب وسایل گازسوز دقت کنند. از باز بودن مسیر دودکش نیز اطمینان حاصل کنند. به گفته این کارشناس سازمان آتش نشانی با بسیج نیروهای خود در صورت اطمینان نداشتن مردم از سلامت و ایمنی وسایل گرمایشی با مراجعه به منازل برای رفع نقص سیستم گرمایشی آنها اقدام میکنند.

به هر صورت با سرمای شدید مواجه ایم و فراموش نکنیم که خطر پیش از پیش در زندگی ما کمین خواهد کرد و این ماییم که باید با تدابیر مستقل زمستان را با آرامش و بدون نگرانی سپری کنیم. نکته ای که هست اینست که مردم و تلفاتشان از هر معضل ساده، بدواً به خودشان مربوط نیست. در این جامعه اطلاعات و دانش و خبر رسانی و سیستمهای آموزشی بسیج مردم و نفع مردم وجود ندارد. امنیت مردم در سرما و گرما تهدید میشود و سود پرستی مثنی دلال و کارچاق کن که اجناس غیر استاندارد وارد میکنند و میفروشند منجر به تلفات بیشمار میشود. راستی اگر مردم به سیستم گرمائی و وسایل استاندارد دسترسی داشتند این تعداد به قتل میرسیدند؟ نه، نمیرسیدند. وضعیت امروز مسبب اش تماماً دولتی است که جامعه را در ابعاد مختلف به فقر و محرومیت محکوم کرده است.\*

### از سایت و وبلاک حزب دیدن کنید؛

[www.wupiran.com](http://www.wupiran.com)

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

## یادداشت سردبیر...

طولی نکشید که جناب یزدی از نهضت آزادی، "یار امام" و همان کسی که گروه ماشاله قصاب را به جان چپی ها میانداخت، آس جدیدی رو کرد؛ خواست نظارت بین المللی بر انتخابات! اگر اولی ها روزی انتظار داشتند خامنه ای برایشان "رفراندم" بگذارند و اینبار بختشان را با "انتخابات آزاد" می آزمودند، دومی بیشتر تهدیدک میکرد تا شاید کار اولی ها کمی تسهیل شود و سهمی نیز عاید ایشان شود. بجز روزی نامه مسعود بهنود کسی جدیش نگرفت. ناگهان عرق ملی و وطنی و آریائی اصلاح طلبان داخلی بیرون زد و زودتر از خامنه ای، ابراهیم یزدی را مورد نکوهش قرار دادند که این ایده شما زیر سوال بردن مشروعیت نظام است. یزدی و همکیشانانش ساکت شدند. آنها که در خارج به هر دو تریبون میدادند و کارشان گرم کردن "نتور انتخابات" بود، یواش یواش شل شدند و فهمیدند که گاف دادند. تحلیل ها شروع شد که این "انتخابات" "تاریخی" است. همیشه باید تلاشی صورت بگیرد که هر دور این مضحکه را با الصاق دکمه ای، مارکی، شعاری، چرندی، متمایز کرد! آخر هدف تنها کلاهبرداری و گیج کردن مردم در خدمت اسلام عزیز است. عده ای در خارج نام نویسی کردند. برخی "رادیکال" شدند و پیشنهاد بکر دادند که "راسا ستاد انتخابات برپا کنید و کاندید دهید!" یک هفته بعد ناگهان همه پکر شدند که چرا این سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و دمکراتها این گزارش را رو کردند و شانس اصلاح طلبان را سوزاندند! آخر تنها تمایز اینها این بود که میگفتند باید با آمریکا رابطه برقرار کنیم و از این سیاستها دست برداریم. خاتمی به سیر و سفر پرداخت و توده ایها لحظه به لحظه رپرتاژ میدادند که چی خورد و چی پوشید و چی گفت و چقدر مهم است این سفر ایشان البته در متن تحولات

جهانی!! گفتند که چشمها بسوی خاتمی دوخته شده که به صحنه سیاست برگردد و این سفرها حاکی از آنست! تا توانستند به احمدی نژاد مفلوک کارنامه سیاه بستند تا خاتمی را عزیز دردانه جلوه دهند. "شیخ اصلاحات" کروی مشغول معامله و گفتگو بود! بازیگر مهم دیگر این نمایش مضحک گلابیاتور رفسنجانی است. "سردار سازندگی" که بعد از دوره ای شکست حال به کرسی مجلس خبرگان تکیه زده و زیاد صدایش در نمی آید. این یکی گویا پله است که در دقیقه نود گل میزند! لقب مرد دقیقه نو در او نهادند! امید ها و توهمات و آرزوها و تبلیغات اسلامی شبه هالیوودی رژه میرفتند تا پاسهای شورای نگهبان طبق اوامر جناب رهبر رسید. کل این نمایش عوامفریبی در ساعتی دود شد و هوا رفت! آیا تاکنون جنبشی به این پوکی و مفلوکی دیده اید؟

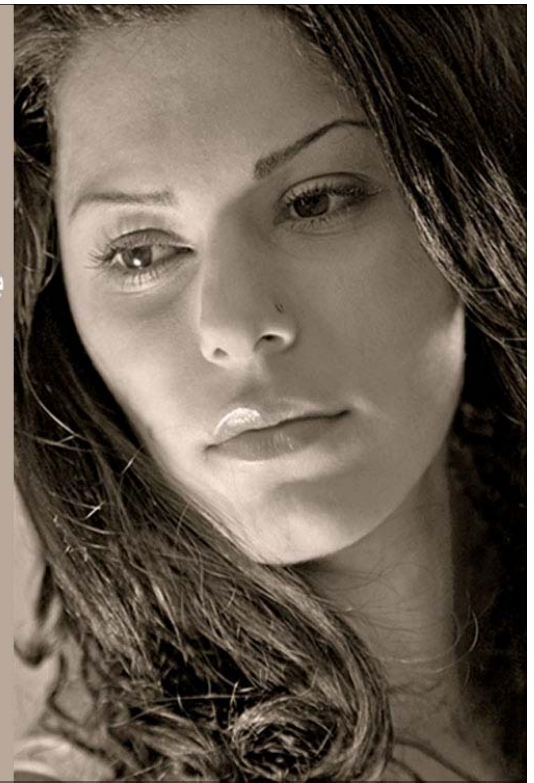
"لیدرهای اصلاحات" جلسه گرفتند. خاتمی و کروی و رفسنجانی بعد از یک شکمچرانی مفصل حق این اپوزیسیون همیشه مجیزگوی اسلام را کف دستشان گذاشتند: جملگی توافق کردند که مردم را به شرکت گسترده در انتخابات دعوت کنند. هر نوع سیاست قهر کردن و هر چیزی که بوی تحریم بدهد را مکروه اعلام کردند. دوم قرار شد جداگانه خدمت رهبر بروند پایوس. شاید بشود با گریه و شکایت و تهدید به لو دادن جنایات و بالا کشیدن اموال مردم و یا عمامه بر زمین کوفتن، چند نفر از دوستانشان را تائید کند. و در این میان اپوزیسیون مجاز و اپوزیسیون پرو- رژیم ملی اسلامی سرشان بیکلاه ماند. تکلیف خامنه ای و احمدی نژاد از اول روشن بود. فکر نمیکنم اینها توهم داشتند که احمدی نژاد و جنتی و دیگران به کلاس "تمرین دمکراسی اسلامی و عشیره ای" اینها بیایند! قرار بود خاتمی جان و شیخ اصلاحات و جناب سردار صد و پنجاه کیلوئی کاری بکنند که اینبار

هم سرشان کلاه گذاشتند! حالا اینها مانده اند و یک گونی نوشته بی خاصیت و اظهار نظر پوچ در مدح "انتخابات آزاد" و نظارت استصوابی و این قبیل مقولات حوزوی و غیر حوزوی جنبش شان! طبق معمول بعد هر شکست جملگی غیب شان زد. معلوم نیست کجا رفتند! برخی شان میگویند تا این نظارت استصوابی هست نمیشود کاری کرد، آقا مشکل ساختاری است! این تز را اگر به دبستان ابرقو هم ببرند فراش مدرسه بیرونشان میکند. و اگر فکر میکنید شاید درس گرفتند، اشتباه میکنید. این جماعت در طول مدتی که دانشجویان آزادیخواه را زیر شکنجه له و لورده میکردند، آگاهانه صدایشان درنیامد و در باب "انتخابات و اصلاحات" مشاعره میکردند. همین ها فردا با زعامت بهنود و نبوی و نگهدار و دیگران سرشان را پائین می اندازند و به سفارت خانه های رژیم میروند تا از "حقوق قانونی شان" استفاده کنند و در این نمایش کلاهبرداری به حکومت اسلامی رای "مشروعیت" بدهند! دوستان مشارکتی شان در داخل روی دست شکنجه گران و اطلاعاتی های احمدی نژاد میزنند و در مورد "میدان دادن به چپ" ها به خامنه ای انتقاد آخوندی میکنند. میفرمایند دلیل عروج چپ اینست که دکان اصلاح طلبان را بسته اند و بر ظرفیت کثیف ضد چپ و ضد کمونیسم شان در بارگاه بورژوازی تاکید میکنند. بخش خارج شان هم مردم را سرگرم میکند که میادا توجه شان به سرکوب دانشجویان و شکنجه و قتل آنها معطوف شود. دسته جمعی یک امر دارند، حب و بغض شان یکی است، از یک سرشت واحدند.

اما این نمایش حقارت نتیجه سردرگمی نیست. اینها همین اند. اینها ترکشهای حزب جمهوری اسلامی و هواداران خمینی "امام ضد امپریالیست" هستند. اینها فرزندان سیاسی

سنت جبهه ملی و حزب توده و دکتر مصدق اند که به اینروز افتاده اند. اگر خامنه ای عقل داشت و جایی در گوشه اداره اطلاعات و سپاه یا کارگزینی قند و شکر به اینها داده بود و نامشان را در دفتر و دستک یک باند اسلامی ثبت میکرد، مثل بقیه "وفاداران نظام و امام و ولایت فقیه" در عاشورا سینه میزدند و قمه برسرشان میکوفتند. این اپوزیسیون اجباری است. این تنها اپوزیسیون مرتجع و نادری است که عاشق و پاکبخته نظام اسلامی است. جای اینها شاید در کنار عجایب هفت گانه است! اگر این خامنه ای "انحصار طلب" نبود، وضع اینها فرق میکرد. چهره اپوزیسیون ایران فرق میکرد. اینها نه سوسیال دمکرات بودند نه جمهوریخواه نه خواهان رفراندم و نه هیچی. شاید برخی شان علم جفر و اصول فقه اسلامی درس میدادند و همراه با بهزاد نبوی و سعید حجاریان و هاشمی رفسنجانی حشر و نشر داشتند.

مردم ایران و طبقه کارگر اما به این نمایش مضحک و بازیگران مضحک ترش میخندند و چه بسا از این همه سرسپردگی بی جبره و موجب انگشت به دهان اند! مردم میدانند که اینها با هر حرکت مستقل و آزادیخواهانه آگاهانه سر عناد و دشمنی دارند. مردم میدانند که این اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی کسانی هستند که پیشکسوت شکنجه و شکنجه گاه و تیغ زنی بودند و هوادارانشان در اپوزیسیون نیز در این باب خوش خدمتی بسیار کردند. اینها یک جنبش واحدند که "دست تقدیر" جدایشان کرده است. اینها یک جنبش اند با یک منفعت واحد که مثل "جن از بسم اله" از اعتراض رادیکال و حرکت مستقل و آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم میترسند. اینها حاضرند احمدی نژاد و خاتمی با بمب اتمی و قتل عام وسیع مردم حکومت کنند اما جامعه دست طبقه کارگر و چپ نیافتند. اینها تا مغز استخوان نوکر سرمایه هستند و کارشان و امرشان جز روغن کاری این دستگاه شنیع



**پیش بسوی روز جهانی زن!**  
**روز انسانیت آزاد و پیشرو!**  
**برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز!**

**نه به حجاب،**  
**نه به آپارتاید جنسی**  
**زنده باد 8 مارس،**  
**روز جهانی زن**  
**زنده باد سوسیالیسم**

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد  
 کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی،  
 سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین  
 رمضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (محمود احمدی)

[mahahmadi@yahoo.com](mailto:mahahmadi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید  
 پستچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری  
 کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank -  
 N. America

Routing Number : 121 000  
 248

Account Number: 36 48 46  
 88 52

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

**یک دنیای بهتر، برنامه حزب را بخوانید و تکثیر و توزیع کنید!**

### تلویزیون برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران یکشنبه: ساعت  
 ۱۲:۳۰ ظهر بوقت تهران در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفا روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

نشریه

## یک دنیای بهتر

را بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید! با  
 نشریه مکاتبه کنید، سوالات و نظراتتان را با ما  
 در میان بگذارید!

**تمام فلاسفه جهان را تفسیر کرده اند،  
 حال آنکه مسئله برسر تغییر آنست!**

کارل مارکس

**یادداشت سردبیر...**  
 اسلامی و سرپا نگهداشتن آن نیست. این حکم سیاسی بیش از هر زمان صدق میکند که عمر سیاسی اینها با بقای جمهوری اسلامی رابطه مستقیم دارد. جارو کردن ارتجاع اسلامی در ایران این بساط تحقیر شعور و آزادی را در اپوزیسیون هم جمع میکند. وحشت و ضدیت اینها با حرکت مستقل مردم و طبقه کارگر و سکوت ننگین شان را در مقابل سرکوب و شکنجه دانشجویان باید در همین واقعیت ساده جست. \*

## ستون آخر،

آذر ماجدی



اندونزی روبرو شده است.

دولت سوهارتو چه در کودتای خونین و چه در طول سه دهه حکومت خشن از حمایت آمریکا و دولت های غربی برخوردار بود. سوهارتو یکی از مونتفلین مهم این دول در طول جنگ سرد بود. سوهارتو بالاخره ده سال پیش بدنبال تظاهرات و اعتراضات وسیع توده ای برکنار شد. تلاش مردم برای به محاکمه کشیدن وی به جایی نرسید. تلاش برای مصادره زدی ها و سرمایه افسانه ای که او و خانواده اش از طریق فساد و دزدی انباشت کرده اند نیز راه به جایی نبرد. سوهارتو تا زمان مرگش در آرامش و رفاه زندگی کرد.

اکنون پس از مرگ او تلاش برای افشای جنایات و دزدی هایش زنده شده است. از مردم خواسته میشود که او را ببخشند. دخترش از مردم طلب بخشایش میکند. آیا پس از مرگ او افشای جنایاتش تاثیری خواهد داشت؟ افشای جنایات شاید بتواند التیامی بر قلب های دردمند قربانیان و بازماندگان آنها باشد. افشای این جنایات و ثبت آنها در تاریخ هر چند فقط حرکتی کوچک بسوی اجرای عدالت است، اما امری ضروری است.

باید این خواست مردم اجرا شود و نام سوهارتو در کنار نام هیتلر و خمینی بعنوان بزرگترین قاتلین تاریخ بشری به ثبت رسد.\*

اعدام و بقیه به زندان های طویل المدت محکوم شدند. اعدام این زندانیان تا سال 1990 ادامه داشت. تشکلات کارگری ممنوع و سانسور شدید بر رسانه ها حاکم شد. "حکومت با مشیت های آهنین" مودبانه ترین شکلی است که سه دهه دیکتاتوری سوهارتو توصیف شده است.

یک دهه پس از کودتایی که با حمایت کامل سازمان سیا طرح و پیاده شد، دولت سوهارتو "تیمور شرقی" را پس از انقلاب پرتغال و استقلال این کشور از پرتغال، به اشغال درآورد. در پروسه اشغال و پس از آن حدود 200 هزار نفر کشته شدند. دولت اشغالی سوهارتو، البته، با مردم تیمور شرقی همانگونه رفتار کرد که با مردم اندونزی: سرکوب خشن، خشونت وحشیانه، زندان و شکنجه و کشتار.

فساد و دزدی وقیحانه یکی دیگر از خصوصیات سوهارتو و دولت او است. گفته میشود که سوهارتو و خانواده اش حدود 30 بلیون دلار دزدیده اند و پیگیری برای پیدا کردن این پول همچنان ادامه دارد که با سنگ اندازی های دولت کنونی

**دنیا در مرگ یک جنایتکار به سوگ نخواهد نشست!**

**سوهارتو مردی از تبار هیتلر و خمینی!**

سوهارتو مرد. دنیا قطعاً به سوگ او نخواهد نشست و از فقدان او نه تنها متأثر نخواهد شد، بلکه مرگ یکی از بزرگترین جنایتکارهای قرن احساس آرامش و امنیت بیشتری به ارمغان میآورد. مرگ سوهارتو بار دیگر خاطره یکی از بزرگترین قتل عام های تاریخ بشری را در یادها زنده کرد. جای تاسف است که مرگ او رنج و درد بازماندگان قتل عام میلیونی و سرکوب های خونین او را التیام نخواهد بخشید. تمام این بازماندگان و انسان های دردمند و سرکوب شده نه تنها در اندونزی، که تمام جهان خواهان اجرای عدالت و محاکمه این دیکتاتور بودند. جنایات او آنچنان وسیع است، 30 سال حکومتش آنچنان با خشونت، سرکوب و فساد آغشته است که هیچ مورخی هر چقدر چکمه لیس، قادر نخواهد بود آنها را پرده پوشی کند.

نام سوهارتو در کنار جنایتکارانی چون هیتلر و خمینی در تاریخ ثبت خواهد شد. در سال 1965 سوهارتو با سازماندهی و رهبری یک کودتای خونین میلیون ها انسان را قتل عام کرد. سوهارتو فرمان "پاک کردن اعضای حزب کمونیست" را صادر کرد و بدنبال آن ارتش، گروه های شبه نظامی و اوپاش دولتی به وحشیانه ترین شکلی به قتل عام کمونیست ها، چپ ها و هر کس که به همکاری با آنها "متهم" است پرداختند. برخی رقم کشته شده ها را 500 هزار نفر ثبت کرده اند. اما بسیاری دیگر رقم صحیح را 2 میلیون نفر اعلام میکنند. این کودتا بعنوان کودتای ضد کمونیستی معروف شده است. بعلاوه حدود 200 هزار نفر دستگیر شدند که برخی

## آخرین خبر،

شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم اسلامی امروز طی بخشنامه ای اعلام کرد که: "اجرای احکام اعدام به صورت علنی فقط با موافقت رئیس قوه قضائیه و بنا به ضرورت های اجتماعی امکانپذیر است." براساس این بخشنامه، "انتشار عکس و تصاویر مربوط به اعدام در رسانه ها ممنوع است و دادستان های عمومی و انقلاب هر حوزه قضایی مامور نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه هستند."

آن "ضرورت های اجتماعی" که اعدام را به خیابان ها آورد سرچاپشان هستند. قرار بود مردم را بترسانند و عبرت بگیرند. استاد اینها ملا طالبان است. ظاهراً ضرر این اقدامات وحشیانه بیشتر از نفع آن بوده است و قرار است اعدامها مجدداً به پشت دیوارها و سلاخ خانه های اسلام منتقل شود. اگر این ابزار قدیمی ارتجاع در ایران پوسیده است و شاهرودی و سران حکومت را به این بن بست کشانده است، سوال این است چگونه میخواهند حکومت وحشت را سرپا نگهدارند؟ تردیدی نیست که یک وجه این تصمیم فشارهای جهانی است. اما نفس اعدام، نفس قتل دولتی، نفس آدم کشی آگاهانه باید لغو شود و این کار جمهوری اسلامی و خیل لیبرالهای حقوق بشری نیست. کار کمونیسم و طبقه کارگر و انقلابی است که ضرورت آدمکشی را هم واژگون میکند!

یک دنیای بهتر

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**